



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

تأسیس و کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۱۹۸۹

شنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۲۱۰

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱۰

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه چهاردهم آذرماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان، آشتیانی زاده - ابریشم کار و پرومند
- ۳ - طرح گزارش کمیسیونهای بودجه و راه راجع به برنامه ده ساله راهسازی
- ۴ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت دو و چهار و پنج دقیقه صبح بریاست آقای نورالدین امامی (نایب رئیس) تشکیل شد

(۱ - تصویب صورت مجلس)

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه

پیش فراغت میشود

غائبین با اجازه - آقایان عباسی - نژیبه

علم - اردلان

غائبین بی اجازه - آقایان خسرو شقایق

ناظر زاده گرمائی - حسن اکبر - تیمورتاش -

ابتهاج - چاب خسروانی - قراگزلو - کورافلی

مغیر فرمند - گبو - جوادمودی - صدر

محمد حسینی - امیر افشاری

دیر آمدگان با اجازه - آقای

محمد و محمدی بک سعادت و نیم

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان سالار

سندھی یکسعادت - هراتی یکسعادت - منصف

۳۰ دقیقه - بیراسته ۴۰ دقیقه - سلطانیک

ساعت - تولیت ۳۰ دقیقه - فلامر ضاقولادوند

۳۰ دقیقه

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس

نظری نیست؟ آقای فقیه زاده فرماید.

اصلاح خواهد شد قسمت دوم را توجه دارید که بیانات آقایان بانوجه بآن نوازوحسین صوت نوشته می شود اگر حذف شده باشد اصلاح می شود.

نایب رئیس - آقای دکتر طبا

دکتر طبا - راجع باسم مؤلف کتاب تاریخ نائین بنده عرض کردم حجت بلافی اینجا نوشته شده خجسته بلافی و چند اشتباه جایی دیگر هم هست که اصلاح میکنم و میدهم اداره تندنویسی

نایب رئیس - آقای کهبید

کهبید - در عرایض بنده چند اشتباه جایی دارد تصحیح میکنم می دهم اداره تندنویسی بعد هم پیشنهادها سازی با مضای ۵۷ نفر تقدیم مقام ریاست شد راجع بلیسه راهسازی آنرا تمنا دارم مورد توجه قرار دهند

نایب رئیس آقای اسلامی

اسلامی - مجلس شورای ملی مدتی است لایحه زندانیان را موقوف گذارده است استدعا می کنم که لایحه راه زندانیان را مطرح فرمائید که تا مجلس تعطیل نشده است این دو کار تمام بشود

نایب رئیس لایحه راهسازی بعد از

نطق قبل از دستور مطرح خواهد شد و لایحه زندانیان هم بعد از آن جزء دستور است دیگر اعتراضی نسبت بصورت مجلس نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد

(۳ - بیانات قبل از دستور

آقایان آشتیانی زاده -

ابریشم کار و پرومند)

نایب رئیس - با اجازه آقایان نطق قبل از دستور شروع میشود آقای آشتیانی زاده فرماید

آشتیانی زاده - موضوع نفت بکلی

مثل این که از میان رفته است صعبی نیست و با اصطلاح معروف حاجی مردوختر خلاص البته آنهم اشکالی ندارد همانطوریکه آقای دکتر مصدق فرمودند ملت ایران

راضی است که نفت اصلا استخراج نشود اما بک نقشه های اقتصادی صحیحی لافل باید در دست باشد هیئت حا که ایران هم که از دوروبر سفره نفت ایران ۲۰ سال ۴۰ سال ارتزاق کرده است آنهم با نفت

علیه السلام از بین برود اما برای اینکه مملکت دارای بک وضع معین اقتصادی باشد نقشه ها و برنامه های اقتصادی لازم است می گویند معروفیت معروفیت این معروفیت نقشه می خواهد همین طور که نمی شود معروفیت برای ملت ایران فائل شد البته ملت ایران حاضر است که

معروف باشد چنانچه سالهای سال است معروف است بشرطیکه دولت باید در صد مطرح نقشه اساسی برای پیچود وضع اقتصادی مردم باشد عرض دیگر راجع به موضوع انتخابات است البته الان موضوع انتخابات

تداخل کرده است و وارد جریان شده و تمام جریانات و کستون دوزورهای مملکت تحت الشعاع قرار گرفته است در هر مجلسی صحبت از انتخابات است مثل این که تمام فکرو ذکر مردم این مملکت انتخابات است و اتفاقا بنده هم این جلسه می خواهم راجع

بانتخابات صحبت بکنم یاد می آید بعد از دوره ۱۴ بک شب در منزل جناب آقای دکتر مصدق بودم بنده فرمودند که آقایان ما وقتی رقیتم در دربار تصحیح اختیار کردیم برای انتخابات دوره یازدهم بعد فهمیدیم که ما را آنجا برده اند و ما را سوق داده اند بدربار برای این که برای دوره یازدهم و انتخابات آن بیرونده بسازند این فرمایش آقای دکتر مصدق است و غرضش هم معلوم بود که اگر خدای نکرده مجلس گذر سوم

و قرارداد نفت شاز را انصوب بکنند. پرونده ای باشد که این انتصابات غلط بود و درست نبوده و بیرون بزنند دوره بعد یعنی دوره شانزدهم معلوم شد که باز هم بیست است برای مجلس بنگ پرونده ای درست بشود و بنده خودم تعجب می کرده که چه شده؟ در صورتی که در دوره شانزدهم یک موضوع بسیار مهم و حیاتی مطرح خواهد شد و آن موضوع نفت است و این موضوع در دستور مملکت قرار گرفته بجه دلیل انتخابات دوره شانزدهم تقریباً صورت فرمایشی دارد به توجیه کردم باینکه چون یک عمل منفی بایستی در مجلس می شد و یک عمل خیر می بایستی در مجلس می شد اگر اشخاص هم بر حسب ظاهر انتخاباتشان درست نبوده در این مجلس باشند و عمل ملی شدن نفت را انجام بدهند این ضروری ندارد این خوب است متعین است مطلوب است در صورتیکه مجلس که حالا می خواهند تشکیل بدهند مسلماً مجلس است که باید یک عمل مثبت انجام بدهد پس باید صورت انتخابات را آزاد است (آزاد) — در روز رادیو لندن هم گفته بود) رادیو لندن خیلی کارها می کند حالا من یک چیزهایی را شاید آن به در مجلس بگویم و استدعا می کنم کسی نرنجد برای اینکه اگر بازار تمام این بازار بود بکنند کار ما مثل کار کنونیون انقلاب فرانس خواهد شد دسته بدسته همه بگریا متهم خواهیم کرد و آنوقت معلوم می شود که کسانی که حقیقتاً نکر کمیانی نفت بوده اند چه اشخاصی هستند اینجا این قضیه باید معلوم شود که این آزاد بدیخت بیچاره که ۱۴ سال در حبس قصر قاجار بوده است این نوکر کمیانی است یا اشخاصی که سی سال از دولت سر کمیانی در این مملکت ریاست و وزارت و وکالت کرده اند؟ (صحیح است) ضمناً بنده می خواهم یک موضوع دیگری را بشاننده دولت تذکر بدهم من می دانم که آقای دکتر مصدق از این جریانها بر کنار هستند ولی صرفاً بر کنار بودن رفع مسئولیت از نخست وزیر نمی کند چیزهایی را که نمودد کتر مصدق در دوره های گذشته نمی پسندیدند امروز هم پسندند من مکرر اینجا گفته ام یکدمه متشکلی که دارای مسلکی هستند اگر دارای مسلکها و در کترین های افراطی هستند و شما مقرر هستید که خطرناک هستند ببینید که اینها خطرشان از چه راهی است اگر بنا باشد که دولت بخواهد با فشار سر نیزه و بیجاری با اینها مبارزه کند این مبارزه شان عبث خواهد بود خدا بیامرزد ملک را (تکیه بر نیزه توان کرد لیک بر سر سر نیزه نباید نشست)

موضوع هنر پیشگامان تأثیر سده است اگر دولت و مجلس و مملکت معتقد است که اصولاً تأثیر باد است مقدم است حرام است. تأثیرها را بنده و اگر حرام و مشوم نیست چرا آن چندتا را باز گذاشته اند و به یکیشان هفتصد تومان گوشت و سوکیت می دهند و این یکی را بنده نباید با مردم لجاجتی کرد فکر کنیم که اینها این اشخاصی که عملاً ما می خوانند و بر علیه ما اقدام می کنند اینها چیه کفار صدر اسلام را دارند از این بالاتر که نیست کفار باجنگ می کردند یا اسلام قبول می کردند یا جزیه می دادند در کف حمایت حکومت اسلامی زندگی می کردند شما می خواهید کان مردم را در همه جا بندهید برای اینکه از خودشان بدتان می آید یک روز میرسد که مردم جمع می شوند از بین می برند ماهها را بگرویز میرسد اگر فرمان دادید به پلیس و به مین سرباز که از همان مردم است و آن روز او حمله نکرد و به غوغا و جمعیت آن روز حکم اعدام واضع جلال خودتان را امضاء کرده اید چون این روزها برای اغفال مردم ایران و صحنه سازی برای آژانس های خارجی دولت به وسیله باشد از آزادی انتخابات و فرمولهای عجیب و غریب عوام فریبانه دم میزنند و می خواهند اینطور وانمود کنند که دوره هفدهم مجلس را و کلاهی صدر صد ملی اشغال خواهند کرد بنده خود را موظف می دانم نظر به مسئولیتی که بعنوان نماینده مجلس در مقابل مردم ایران دارم حقایق را آشکار بگویم و پرده های ریا را پاره کنم کیست که نداند تشکیلات و دستجات سیاسی تحت عنوان اسمی مختلف که با دولت دارای روابط و بستگی های غلبی می باشند از هم اکنون کاندیداهای خود را تعیین کرده و از تمام قوای دولت برای پیش بردن مقاصد خویش استفاده می کنند که است نداند که هنوز انتخابات شروع بر کنار بودن رفع مسئولیت از نخست وزیر نمی کند چیزهایی را که نمودد کتر مصدق در دوره های گذشته نمی پسندیدند امروز هم پسندند من مکرر اینجا گفته ام یکدمه متشکلی که دارای مسلکی هستند اگر دارای مسلکها و در کترین های افراطی هستند و شما مقرر هستید که خطرناک هستند ببینید که اینها خطرشان از چه راهی است اگر بنا باشد که دولت بخواهد با فشار سر نیزه و بیجاری با اینها مبارزه کند این مبارزه شان عبث خواهد بود خدا بیامرزد ملک را (تکیه بر نیزه توان کرد لیک بر سر سر نیزه نباید نشست)

موضوع هنر پیشگامان تأثیر سده است اگر دولت و مجلس و مملکت معتقد است که اصولاً تأثیر باد است مقدم است حرام است. تأثیرها را بنده و اگر حرام و مشوم نیست چرا آن چندتا را باز گذاشته اند و به یکیشان هفتصد تومان گوشت و سوکیت می دهند و این یکی را بنده نباید با مردم لجاجتی کرد فکر کنیم که اینها این اشخاصی که عملاً ما می خوانند و بر علیه ما اقدام می کنند اینها چیه کفار صدر اسلام را دارند از این بالاتر که نیست کفار باجنگ می کردند یا اسلام قبول می کردند یا جزیه می دادند در کف حمایت حکومت اسلامی زندگی می کردند شما می خواهید کان مردم را در همه جا بندهید برای اینکه از خودشان بدتان می آید یک روز میرسد که مردم جمع می شوند از بین می برند ماهها را بگرویز میرسد اگر فرمان دادید به پلیس و به مین سرباز که از همان مردم است و آن روز او حمله نکرد و به غوغا و جمعیت آن روز حکم اعدام واضع جلال خودتان را امضاء کرده اید چون این روزها برای اغفال مردم ایران و صحنه سازی برای آژانس های خارجی دولت به وسیله باشد از آزادی انتخابات و فرمولهای عجیب و غریب عوام فریبانه دم میزنند و می خواهند اینطور وانمود کنند که دوره هفدهم مجلس را و کلاهی صدر صد ملی اشغال خواهند کرد بنده خود را موظف می دانم نظر به مسئولیتی که بعنوان نماینده مجلس در مقابل مردم ایران دارم حقایق را آشکار بگویم و پرده های ریا را پاره کنم کیست که نداند تشکیلات و دستجات سیاسی تحت عنوان اسمی مختلف که با دولت دارای روابط و بستگی های غلبی می باشند از هم اکنون کاندیداهای خود را تعیین کرده و از تمام قوای دولت برای پیش بردن مقاصد خویش استفاده می کنند که است نداند که هنوز انتخابات شروع بر کنار بودن رفع مسئولیت از نخست وزیر نمی کند چیزهایی را که نمودد کتر مصدق در دوره های گذشته نمی پسندیدند امروز هم پسندند من مکرر اینجا گفته ام یکدمه متشکلی که دارای مسلکی هستند اگر دارای مسلکها و در کترین های افراطی هستند و شما مقرر هستید که خطرناک هستند ببینید که اینها خطرشان از چه راهی است اگر بنا باشد که دولت بخواهد با فشار سر نیزه و بیجاری با اینها مبارزه کند این مبارزه شان عبث خواهد بود خدا بیامرزد ملک را (تکیه بر نیزه توان کرد لیک بر سر سر نیزه نباید نشست)

بنده آمدند ما هم ایشان را زدهم حالا من اینک من از گوشه کنایم خنوم ایشان هم با بنده طرف شده اند ایشان آقای هلاک هستند وزیر دربارند مردم فوق العاده قوی هستند همه جا از ایشان تعریف می شود استخوان به نیکی برده می شود ولی بنده حقیر سراپا تصویر چیزی نیستم که ایشان مبارزه خودشان را با بنده و مبارزه بنده را با خودتان بحساب شخصی سلطان و پادشاه می گذارند بنده با پادشاه ایران مخالف نیستم و موافقم من طرفدار رژیم سلطنت مشروطه هستم و با محمد رضا شاه پهلوی موافقم و طرفدار ایشان هستم (برومند) قسم خورده اید (تعلق هم نمی گویم و باید بدانند که در مجلس ایران کسی نیست که با رژیم سلطنت مشروطه مخالف باشد) (صحیح است) و بنده هم مخالف نیستم و اگر بودی می گفتم یا در مجلس نمی آمدم پس مبارزه بنده با آقای هلاک یک پرونده صلحناهی دارد و ابداً ارتباطی با مقام سلطنت ندارد

از هم اکنون وزیر دربار وصال درباری صریحاً و علناً اشخاصی را نامزد انتخابات کرده اند و بر رؤسای ژاندارم و شهربانی و فرماندار و بخشدار و دادگاهها دستور میدهند که وقتی نامزد درباری و آجودان مخصوص اعلیحضرت همایونی برای وکیل شدن بر حوزة انتخابیه می آید و هلنا ببرد بگویند فلانکس کاندیدای دربار است و هر کس باو رای ندهد معازات خواهد شد یا بگویند دربار با فلانکس مخالف است و هیچکس حق ندارد باو رای دهد (چند نفر از نمایندگان چنین چیزی نیست) تعصیب آقای هلاک است به بنده ربطی ندارد بنده طرق مختلف مداخلات دولت را در هر انتخابات در جلسه آینده تشریح خواهم کرد

تا مردمی که خیال کرده اند دولت در انتخابات مداخله ندارد از اشتباه خود بیرون بیایند تقلب در انتخابات و در آوردن و کلاهی قلابی آنها بوسیله دولت مستقیماً انجام نمی گیرد بول و ملک بزرگترین لرزه در انتخابات ایران علاوه بر مداخلات دولت بازی میکنند یعنی اگر فرض کنیم که دولت حقیقتاً در امر انتخابات مداخله نمیکند باید بگوئیم که صرف عدم مداخله ظاهری دولت کفایت نمیکند بلکه دولت باید از هر قبیل تقلب در امر انتخابات و همچنین اعمال نفوذ بوسیله پول و زور نیز جلوگیری کند فرض کنیم که دولت فرماندار و وایبشده را بدون نظر خاصی مثلا بهیولی بفرستد و این بخشدار از همان بخشدارهای خودمانی باشد که همه آنها را می شناسیم فوراً کسیکه می خواهد با خرج کردن و کپل شود و ضمناً بشی جاهای دیگر هم او را قبول و بر حرف تشغیب گفتند من قول شرف می دهم که بنایم بعد

بنده آمدند ما هم ایشان را زدهم حالا من اینک من از گوشه کنایم خنوم ایشان هم با بنده طرف شده اند ایشان آقای هلاک هستند وزیر دربارند مردم فوق العاده قوی هستند همه جا از ایشان تعریف می شود استخوان به نیکی برده می شود ولی بنده حقیر سراپا تصویر چیزی نیستم که ایشان مبارزه خودشان را با بنده و مبارزه بنده را با خودتان بحساب شخصی سلطان و پادشاه می گذارند بنده با پادشاه ایران مخالف نیستم و موافقم من طرفدار رژیم سلطنت مشروطه هستم و با محمد رضا شاه پهلوی موافقم و طرفدار ایشان هستم (برومند) قسم خورده اید (تعلق هم نمی گویم و باید بدانند که در مجلس ایران کسی نیست که با رژیم سلطنت مشروطه مخالف باشد) (صحیح است) و بنده هم مخالف نیستم و اگر بودی می گفتم یا در مجلس نمی آمدم پس مبارزه بنده با آقای هلاک یک پرونده صلحناهی دارد و ابداً ارتباطی با مقام سلطنت ندارد

از هم اکنون وزیر دربار وصال درباری صریحاً و علناً اشخاصی را نامزد انتخابات کرده اند و بر رؤسای ژاندارم و شهربانی و فرماندار و بخشدار و دادگاهها دستور میدهند که وقتی نامزد درباری و آجودان مخصوص اعلیحضرت همایونی برای وکیل شدن بر حوزة انتخابیه می آید و هلنا ببرد بگویند فلانکس کاندیدای دربار است و هر کس باو رای ندهد معازات خواهد شد یا بگویند دربار با فلانکس مخالف است و هیچکس حق ندارد باو رای دهد (چند نفر از نمایندگان چنین چیزی نیست) تعصیب آقای هلاک است به بنده ربطی ندارد بنده طرق مختلف مداخلات دولت را در هر انتخابات در جلسه آینده تشریح خواهم کرد

تا مردمی که خیال کرده اند دولت در انتخابات مداخله ندارد از اشتباه خود بیرون بیایند تقلب در انتخابات و در آوردن و کلاهی قلابی آنها بوسیله دولت مستقیماً انجام نمی گیرد بول و ملک بزرگترین لرزه در انتخابات ایران علاوه بر مداخلات دولت بازی میکنند یعنی اگر فرض کنیم که دولت حقیقتاً در امر انتخابات مداخله نمیکند باید بگوئیم که صرف عدم مداخله ظاهری دولت کفایت نمیکند بلکه دولت باید از هر قبیل تقلب در امر انتخابات و همچنین اعمال نفوذ بوسیله پول و زور نیز جلوگیری کند فرض کنیم که دولت فرماندار و وایبشده را بدون نظر خاصی مثلا بهیولی بفرستد و این بخشدار از همان بخشدارهای خودمانی باشد که همه آنها را می شناسیم فوراً کسیکه می خواهد با خرج کردن و کپل شود و ضمناً بشی جاهای دیگر هم او را قبول و بر حرف تشغیب گفتند من قول شرف می دهم که بنایم بعد

بنده آمدند ما هم ایشان را زدهم حالا من اینک من از گوشه کنایم خنوم ایشان هم با بنده طرف شده اند ایشان آقای هلاک هستند وزیر دربارند مردم فوق العاده قوی هستند همه جا از ایشان تعریف می شود استخوان به نیکی برده می شود ولی بنده حقیر سراپا تصویر چیزی نیستم که ایشان مبارزه خودشان را با بنده و مبارزه بنده را با خودتان بحساب شخصی سلطان و پادشاه می گذارند بنده با پادشاه ایران مخالف نیستم و موافقم من طرفدار رژیم سلطنت مشروطه هستم و با محمد رضا شاه پهلوی موافقم و طرفدار ایشان هستم (برومند) قسم خورده اید (تعلق هم نمی گویم و باید بدانند که در مجلس ایران کسی نیست که با رژیم سلطنت مشروطه مخالف باشد) (صحیح است) و بنده هم مخالف نیستم و اگر بودی می گفتم یا در مجلس نمی آمدم پس مبارزه بنده با آقای هلاک یک پرونده صلحناهی دارد و ابداً ارتباطی با مقام سلطنت ندارد

از هم اکنون وزیر دربار وصال درباری صریحاً و علناً اشخاصی را نامزد انتخابات کرده اند و بر رؤسای ژاندارم و شهربانی و فرماندار و بخشدار و دادگاهها دستور میدهند که وقتی نامزد درباری و آجودان مخصوص اعلیحضرت همایونی برای وکیل شدن بر حوزة انتخابیه می آید و هلنا ببرد بگویند فلانکس کاندیدای دربار است و هر کس باو رای ندهد معازات خواهد شد یا بگویند دربار با فلانکس مخالف است و هیچکس حق ندارد باو رای دهد (چند نفر از نمایندگان چنین چیزی نیست) تعصیب آقای هلاک است به بنده ربطی ندارد بنده طرق مختلف مداخلات دولت را در هر انتخابات در جلسه آینده تشریح خواهم کرد

تا مردمی که خیال کرده اند دولت در انتخابات مداخله ندارد از اشتباه خود بیرون بیایند تقلب در انتخابات و در آوردن و کلاهی قلابی آنها بوسیله دولت مستقیماً انجام نمی گیرد بول و ملک بزرگترین لرزه در انتخابات ایران علاوه بر مداخلات دولت بازی میکنند یعنی اگر فرض کنیم که دولت حقیقتاً در امر انتخابات مداخله نمیکند باید بگوئیم که صرف عدم مداخله ظاهری دولت کفایت نمیکند بلکه دولت باید از هر قبیل تقلب در امر انتخابات و همچنین اعمال نفوذ بوسیله پول و زور نیز جلوگیری کند فرض کنیم که دولت فرماندار و وایبشده را بدون نظر خاصی مثلا بهیولی بفرستد و این بخشدار از همان بخشدارهای خودمانی باشد که همه آنها را می شناسیم فوراً کسیکه می خواهد با خرج کردن و کپل شود و ضمناً بشی جاهای دیگر هم او را قبول و بر حرف تشغیب گفتند من قول شرف می دهم که بنایم بعد

بنده آمدند ما هم ایشان را زدهم حالا من اینک من از گوشه کنایم خنوم ایشان هم با بنده طرف شده اند ایشان آقای هلاک هستند وزیر دربارند مردم فوق العاده قوی هستند همه جا از ایشان تعریف می شود استخوان به نیکی برده می شود ولی بنده حقیر سراپا تصویر چیزی نیستم که ایشان مبارزه خودشان را با بنده و مبارزه بنده را با خودتان بحساب شخصی سلطان و پادشاه می گذارند بنده با پادشاه ایران مخالف نیستم و موافقم من طرفدار رژیم سلطنت مشروطه هستم و با محمد رضا شاه پهلوی موافقم و طرفدار ایشان هستم (برومند) قسم خورده اید (تعلق هم نمی گویم و باید بدانند که در مجلس ایران کسی نیست که با رژیم سلطنت مشروطه مخالف باشد) (صحیح است) و بنده هم مخالف نیستم و اگر بودی می گفتم یا در مجلس نمی آمدم پس مبارزه بنده با آقای هلاک یک پرونده صلحناهی دارد و ابداً ارتباطی با مقام سلطنت ندارد

از هم اکنون وزیر دربار وصال درباری صریحاً و علناً اشخاصی را نامزد انتخابات کرده اند و بر رؤسای ژاندارم و شهربانی و فرماندار و بخشدار و دادگاهها دستور میدهند که وقتی نامزد درباری و آجودان مخصوص اعلیحضرت همایونی برای وکیل شدن بر حوزة انتخابیه می آید و هلنا ببرد بگویند فلانکس کاندیدای دربار است و هر کس باو رای ندهد معازات خواهد شد یا بگویند دربار با فلانکس مخالف است و هیچکس حق ندارد باو رای دهد (چند نفر از نمایندگان چنین چیزی نیست) تعصیب آقای هلاک است به بنده ربطی ندارد بنده طرق مختلف مداخلات دولت را در هر انتخابات در جلسه آینده تشریح خواهم کرد

تا مردمی که خیال کرده اند دولت در انتخابات مداخله ندارد از اشتباه خود بیرون بیایند تقلب در انتخابات و در آوردن و کلاهی قلابی آنها بوسیله دولت مستقیماً انجام نمی گیرد بول و ملک بزرگترین لرزه در انتخابات ایران علاوه بر مداخلات دولت بازی میکنند یعنی اگر فرض کنیم که دولت حقیقتاً در امر انتخابات مداخله نمیکند باید بگوئیم که صرف عدم مداخله ظاهری دولت کفایت نمیکند بلکه دولت باید از هر قبیل تقلب در امر انتخابات و همچنین اعمال نفوذ بوسیله پول و زور نیز جلوگیری کند فرض کنیم که دولت فرماندار و وایبشده را بدون نظر خاصی مثلا بهیولی بفرستد و این بخشدار از همان بخشدارهای خودمانی باشد که همه آنها را می شناسیم فوراً کسیکه می خواهد با خرج کردن و کپل شود و ضمناً بشی جاهای دیگر هم او را قبول و بر حرف تشغیب گفتند من قول شرف می دهم که بنایم بعد

بنده آمدند ما هم ایشان را زدهم حالا من اینک من از گوشه کنایم خنوم ایشان هم با بنده طرف شده اند ایشان آقای هلاک هستند وزیر دربارند مردم فوق العاده قوی هستند همه جا از ایشان تعریف می شود استخوان به نیکی برده می شود ولی بنده حقیر سراپا تصویر چیزی نیستم که ایشان مبارزه خودشان را با بنده و مبارزه بنده را با خودتان بحساب شخصی سلطان و پادشاه می گذارند بنده با پادشاه ایران مخالف نیستم و موافقم من طرفدار رژیم سلطنت مشروطه هستم و با محمد رضا شاه پهلوی موافقم و طرفدار ایشان هستم (برومند) قسم خورده اید (تعلق هم نمی گویم و باید بدانند که در مجلس ایران کسی نیست که با رژیم سلطنت مشروطه مخالف باشد) (صحیح است) و بنده هم مخالف نیستم و اگر بودی می گفتم یا در مجلس نمی آمدم پس مبارزه بنده با آقای هلاک یک پرونده صلحناهی دارد و ابداً ارتباطی با مقام سلطنت ندارد

از هم اکنون وزیر دربار وصال درباری صریحاً و علناً اشخاصی را نامزد انتخابات کرده اند و بر رؤسای ژاندارم و شهربانی و فرماندار و بخشدار و دادگاهها دستور میدهند که وقتی نامزد درباری و آجودان مخصوص اعلیحضرت همایونی برای وکیل شدن بر حوزة انتخابیه می آید و هلنا ببرد بگویند فلانکس کاندیدای دربار است و هر کس باو رای ندهد معازات خواهد شد یا بگویند دربار با فلانکس مخالف است و هیچکس حق ندارد باو رای دهد (چند نفر از نمایندگان چنین چیزی نیست) تعصیب آقای هلاک است به بنده ربطی ندارد بنده طرق مختلف مداخلات دولت را در هر انتخابات در جلسه آینده تشریح خواهم کرد

تا مردمی که خیال کرده اند دولت در انتخابات مداخله ندارد از اشتباه خود بیرون بیایند تقلب در انتخابات و در آوردن و کلاهی قلابی آنها بوسیله دولت مستقیماً انجام نمی گیرد بول و ملک بزرگترین لرزه در انتخابات ایران علاوه بر مداخلات دولت بازی میکنند یعنی اگر فرض کنیم که دولت حقیقتاً در امر انتخابات مداخله نمیکند باید بگوئیم که صرف عدم مداخله ظاهری دولت کفایت نمیکند بلکه دولت باید از هر قبیل تقلب در امر انتخابات و همچنین اعمال نفوذ بوسیله پول و زور نیز جلوگیری کند فرض کنیم که دولت فرماندار و وایبشده را بدون نظر خاصی مثلا بهیولی بفرستد و این بخشدار از همان بخشدارهای خودمانی باشد که همه آنها را می شناسیم فوراً کسیکه می خواهد با خرج کردن و کپل شود و ضمناً بشی جاهای دیگر هم او را قبول و بر حرف تشغیب گفتند من قول شرف می دهم که بنایم بعد



دولتی را در فاجعه گنجان کند  
 و اکثر مصدق قزاقان بیست و سوم نیز  
 را بگردن وزیر کشور و رئیس شهر بانی وقت  
 انداخت و گفت سر لشکر باقی را شاه  
 منصوب کرده و نوطه بوسیله شهر بانی  
 تنظیم شده و خود از جریان فاجعه بی اطلاع  
 بوده است. بعد از چندی وزیر کشور  
 یعنی سر لشکر زاهدی را بجزم کرد و در  
 نوطه بیست و سوم نیز از کار برکنار نمود  
 و دستور محاکمه سر لشکر باقی را داد  
 هنوز هشت ماه از فاجعه و قتل هفتصد نفر مردم  
 بیگناه طهران را که پلیس و سرباز و  
 چاقو کشهای دولتی کشتند نمی گذرد که  
 روز چهاردهم آذر جنایت دیگری بوقوع  
 پیوست که اقتضای تنگ آن سراسر عالم را  
 فرا گرفت (صحیح است).

حالا بفرمائید که چطور شده حکومت  
 سردار سیه آتروز را دوره دیکتاتوری می  
 نامید و انتظار دارید که حکومت شما را با  
 این قتل عامهای بی دردی و ایجاد رژیم  
 پلیس و ترور و ارباب دوره مشفق آزادی  
 و رفاه و آسایش بنامم نوکر بندها گرفته  
 بود چیز بهتر زدن سرو کله اش را خرد  
 کرده اند (صفائی - جرمش این بود که  
 نوکر شما است) (جمال امامی - اشتباه  
 کرده) مگر آقای دکتر مصدق حکومت  
 های ساعد صدر الاشراف و رزم آرا  
 را برای جزئی ترین عملی با حمله و انتقاد  
 نمی گرفتند؟  
 تندی دادم بفرمایند در کدام يك از  
 این ادوار مردم طهران چنین روز های  
 خون آلودی را دیده اند؟

آقای دکتر مصدق تحمل ندارد  
 مخالفین حرف بزنند، چیز بنویسند،  
 میتیك بدهند، نظاره کنند؛ اگر شما  
 معتقدید که مردم پشتیبان شما هستند پس  
 چرا از میتیك مخالفین جلو گیری می کنید؟  
 چرا چاقو کش تهمین می کنید؟ چرا  
 آدم می کشید؟ چرا در کمال ناجوانمردی  
 کامیونهای پلیس را بر روی انبوه مردم ام  
 از رن و مرد و بچه حتی در پیاده روه  
 میرانید.  
 اگر مردم طرفدار شما هستند از  
 چند هزار نفر جوان چه ترسی دارید؟  
 تمام مردم تهران روزی شنبه دیدند  
 که کامیونهای پلیس چاقو کشهای معروف  
 ولات های جنوب شهر را بار می کردند و  
 با آنها چوب من دادند و در میان صفوف  
 دانشجویان می ریختند.

بند خورم با این آقای ارباب مهدی حالا  
 اگر بر سره و انکار کنند من نمی دانم گمان  
 میکنم که ارباب مهدی مرد است و انکار  
 نمیکند با این آقای دکتر کاسی از  
 خیابان سمدی سر از برشدم مقابل روزنامه  
 طلوع که رسیدیم دیدیم قریب ۶۰ و ۷۰  
 نفر از مردم معلوم الحال چاقو چوب و بایه  
 میز و صندلی همه چیز همه گونه آلات صلح  
 طالبی دستشان بود و پشت سر آنها سه  
 کامیون پلیس و نظامی مقابل درب روزنامه  
 طلوع که رسیدند با آن زدن چوب و  
 را شکستند و بزور وارد شدند (نایبندگان -  
 آقای ارباب صحیح است) (مهدی  
 ارباب - صحیح است درست می گویند)  
 (صفائی - ولی آقایانها يك زنده یاد  
 هائی هم می گفتند) (ژنگ رئیس) و  
 در میان صفوف دانشجویان می ریختند و چون  
 از چاقو کشها جرات حمله نداشتند با سیان -  
 ها و سربازها به کمک آنها با قندان تفنگ  
 و سر نیزه سرودست مردم را می شکستند تا  
 چاقو کشها بتوانند مردم را بزنند -  
 مشغول تر از تمام این قتل و غارتها از يك  
 طرف اظهار تشکر شهر بانی از چاقو کشها  
 بعنوان مردم شرافتمندیان تخت است و از  
 طرف دیگر اقرار آقای نخست وزیر بارت  
 شدن روزنامه ها و مغازه ها و خانه ها و تمهید به  
 پرداخت غرامت آنها است.

این شهر بانی که هنرش کشتن مدرس  
 فرخی و ارانی است - این شهر بانی که  
 کارش حبس و تبعید خود دکتر مصدق  
 حائری زاده و ملک الشعراء بهار است این  
 شهر بانی که کارش آجول هوا زدن مردم  
 و تربیت یزشک احمدی است و علنا هم محرم  
 ضرب و قتل و چاقول مردم بدست چاقو کشها  
 است بچه کار مملکت می خورد (صفائی -  
 به همین کاری که کرده اند) شما میگویند ما  
 میخواستیم با حزب توده مبارزه کنیم خاک  
 بر سر آن تشکیلاتی که برای مبارزه با يك  
 جمعیت در بنه رجاه و چاقو کش قرار گیرد  
 (صحیح است) چشم آن مسئولین امنیت  
 عمومی روشن که برای حفظ انتظامات چاقو  
 و چاقو بدست حسن سه کله وقتی بی غم  
 و هیل خیره می دهند (خنده نایبندگان)  
 (فرامرزی - شعبان بی مخ را نگفتید)  
 و آنها را بجان پسران و دختران مردم بی  
 گناه شهر می اندازند  
 شما می گویند میخواستیم با حزب  
 توده مبارزه کنیم، آیا نمازه را دیو فروشی  
 و دکان خیاطی اداره روزنامه آتش طلوع  
 فرمان داد هم از ما اگر حزب توده بوده اند  
 (تفلا اسلامی - مرتجع بودند).  
 کدام خراب شده و چه ندره در دنیا  
 وجود دارد که دولت تا این درجه از مردم  
 سلب امنیت کند هابر بدبختی که بی خیال  
 به خداهش می رود از گنا بیش بینی کند که  
 با جوانان ده کامیون را در پیاده رو خواهند  
 انداخت که عمداً مردم را بزنند بکشتند؟  
 این چه ننگ و رسوائی است این چه بازی  
 است که در آورده اند؟ کی دکان نفت  
 را نفته خواهد کرد مردم آسوده شوند  
 کی تعزیه شیر و فتنه نفت تمام می شود؟  
 کفایت می خواهم عنوانه نفت را بگیرم شد  
 بعد آفتاب گنبد خورشید را می خواهم  
 آباد کنم - خوب بروید آباد کنید پس  
 است دیگر این بازی نفت - حقیقت معلول  
 و محرک شما در این آدم کشیها فقط انتخابات  
 است. من هفته پیش گفتم که دولت با  
 راه انداختن چاقو کش و کمک پلیس در  
 صدد خفه کردن و ترسانیدن مخالفین خود  
 می باشد چنانکه ملاحظه کردید در روز شنبه این  
 شما نمی خواهید با حزب توده مبارزه کنید  
 اسم حزب توده و مارک کمپانی نفت خوب  
 يك نوع دکان سیاسی شده است (صحیح است)  
 هر کس که مخالف دولت بود يك مهر توده  
 و یانگی باومی زیند و چاقو کش بسر او  
 می فرستید تا زندگی او را بهم بریزند مگر  
 ممکن است که در شهری که دولت خودش  
 ترور می کند زندگی کرده هیچکس دیگر  
 در طهران تأمین ندارد هر جوانی که کتاب  
 زیر بغلش باشد با اسم توده او را می زنند -  
 هر متنفسی که بر ضد سالیسی های دولت  
 حرف بزند بعنوان نفی لجن مالش میکنند  
 رئیس - آقای آشتیانی زاده وقت  
 شما تمام شد.

آشتیانی زاده - بنده بکریه وقت  
 می خواهم.  
 رئیس - آقایانی که موافقت بکریه  
 ساعت ایشان صحبت کنند قیام کنند (اکتو -  
 برخاستند) تصویب شد.  
 آشتیانی زاده - عرض کنم  
 که کلوب آقای ملک مدنی را هم فارت کردند  
 حزب رستاخیز را.  
 جمال امامی - آقایان خودشان بود  
 حق داشتند.  
 آشتیانی زاده - نباید اجازه داد  
 که با این مقدمات حکومت رجاله و اجامر  
 و اوباش در این مملکت بر قرار کنند  
 (صحیح است) حق ندارید که بغلط موافقت  
 نامزدهای دولتی در انتخابات مردم بیگناه  
 را بخاک و خون بکشید (صحیح است)  
 بیش از هزار عکس از مناظر دلخراش  
 فاجعه روزی شنبه برداشته اند و این عکس  
 ها خود اسناد غیر قابل انکاری بر محکومیت  
 دستگاه انتظامی پلیس و دولت در ایجاد  
 فاجعه چهاردهم آذر است - در این عکس  
 ها آن مردم شرافتمندی که شهر بانی از آنها  
 تشکر کرده است خوب دیده می شوند فبانه

چنانکه مردم از خودشان دفاع می کنند  
 و در این میان افسر پلیس هم مشرب میشود  
 و همه زبانی از خود مردم هم کشته میشوند  
 باید مگر کین این فاجعه را جستجو کرد که  
 موجب مرگ مردم بیگناه این مملکت می  
 شوند.  
 این که ما اجنایان روز ۱۴ آذر را  
 زیر سر پوش مبارزه با حزب توده مخفی می  
 کنید مرد عادی می فهمد که جز ندایس و نرنک  
 چیز دیگری نیست.  
 روزنامه هاشمی حائری و روزنامه آتش و  
 فرمان داد و سایر جرائد که با حزب توده  
 بستگی نداشته اند که آنها را فارت کرده  
 اند.  
 خانه صلح و کلوب جوانان و  
 روزنامه بسوی آینده را پلیس با کمک  
 چاقو کش با خاک یکسان کرده و آتش  
 زده است. بیانات بنده تمام شد این  
 عریضه ای که می خوانم بوسیله جناب  
 آقای مکی ساکنین ناحیه پنجم تقدیم  
 مجلس کردند چون ایشان وقت نکرده  
 از بنده که رفیق ایشان هستم تقاضا کردند  
 که بنده این عریضه را پشت این تریبون  
 قرائت کنم نصر من الله و فتح قریب ملت  
 ایران مناسبت هدیری و هم آهنگی با  
 ملت عزیز مصر از دولت ملی جناب آقای  
 دکتر مصدق انتظار دارد که نام خیابان  
 اسلامیول را بنام خیابان قاهره تبدیل تا  
 با این عمل هم آهنگی کامل خود را با ملت  
 مسلمان مصر ثابت کرده باشیم و دیگر  
 موضوعی که بنده خواستم برش آقایان  
 اجانب با ارباب و تهدید و تبلیغات کمونیستی  
 و چاقو کشی آرامش این شهرستان را برهم  
 زده در نتیجه مردم توجه بشکایات و پیش بینی

کدر این جامع من هستند همانطور که  
 عرض کردم اگر حقیقه موضوع تشریح و  
 نمایش معلوم است است سلاح هم در دست  
 کدر این مملکت برایشان همرا بینه  
 اگر اینطور نیست اینها را روانه کنند  
 پرونده دنبال کارشان و کارشان را بکنند  
 چون بشارات تمام مطبوعات این مملکت  
 پلیس سروروی مردم بیگناه و سایر خیابان  
 ریختند و آنها را مشروب و مجروح کردند  
 من شنیدم که وقتی آقای دکتر مصدق خیر  
 مرگ يك افسر شهر بانی را شنیدند گریه  
 کردند (صفائی - دروغ است) من هم گریه  
 کرده ام من هم از این خبر متأثر شدم ولی  
 از شنیدن خبر قتل چندین دختر و پسر  
 معصوم نیز متأثر شدم بنده این پاسبانها  
 که بروند کارشان را بکنند بقیه وقت خودم  
 را با آقای فرهودی می دم  
 اجازه جنایت آمیزی میکنند.  
 اما پلیسها نباید انتظار داشته باشند که  
 چیزی با کمک چاقو کشها بجان مردم بی دفاع  
 می افتند با باتون و قندان تفنگ سر و مغزو  
 کردن آنها را خورد می کنند بطرف آنها  
 گل پرتاب کنند.  
 مسلماً مردم از خودشان دفاع می کنند  
 و در این میان افسر پلیس هم مشرب میشود  
 و همه زبانی از خود مردم هم کشته میشوند  
 باید مگر کین این فاجعه را جستجو کرد که  
 موجب مرگ مردم بیگناه این مملکت می  
 شوند.  
 این که ما اجنایان روز ۱۴ آذر را  
 زیر سر پوش مبارزه با حزب توده مخفی می  
 کنید مرد عادی می فهمد که جز ندایس و نرنک  
 چیز دیگری نیست.  
 روزنامه هاشمی حائری و روزنامه آتش و  
 فرمان داد و سایر جرائد که با حزب توده  
 بستگی نداشته اند که آنها را فارت کرده  
 اند.  
 خانه صلح و کلوب جوانان و  
 روزنامه بسوی آینده را پلیس با کمک  
 چاقو کش با خاک یکسان کرده و آتش  
 زده است. بیانات بنده تمام شد این  
 عریضه ای که می خوانم بوسیله جناب  
 آقای مکی ساکنین ناحیه پنجم تقدیم  
 مجلس کردند چون ایشان وقت نکرده  
 از بنده که رفیق ایشان هستم تقاضا کردند  
 که بنده این عریضه را پشت این تریبون  
 قرائت کنم نصر من الله و فتح قریب ملت  
 ایران مناسبت هدیری و هم آهنگی با  
 ملت عزیز مصر از دولت ملی جناب آقای  
 دکتر مصدق انتظار دارد که نام خیابان  
 اسلامیول را بنام خیابان قاهره تبدیل تا  
 با این عمل هم آهنگی کامل خود را با ملت  
 مسلمان مصر ثابت کرده باشیم و دیگر  
 موضوعی که بنده خواستم برش آقایان  
 اجانب با ارباب و تهدید و تبلیغات کمونیستی  
 و چاقو کشی آرامش این شهرستان را برهم  
 زده در نتیجه مردم توجه بشکایات و پیش بینی

فرامرزی - این حق هست مجلس  
 رأی داده که ایشان يك ربع صحبت کنند  
 مجلس هم رأی داده هر که می تواند وقتش  
 را بشخص دیگری بدهد  
 رئیس - آن حق قانونی است و این  
 حق است که مجلس بشخص ایشان داده  
 صحبت کنند و حق انتقال ندارند  
 فرهودی - بنده از آقای پیراسته  
 وقت گرفتم  
 رئیس - بسیار خوب آقای پیراسته  
 ایشان وقت دادند و آقای پیراسته هم  
 امروز نام نویسی کرده اند از وقت ایشان  
 صحبت می کنند  
 فرهودی - بنده عرضی ندارم چون  
 يك تأثیر عمیقی دارم و وقت این که زیاد  
 صحبت کنم ندارم فقط از آقایان می خواستم  
 استدعا کنم که يك قدری توجه کنند بحال  
 مردمی که در گوشه و کنار هستند و در این  
 روزها دچار فجایع و تضییقاتی می شوند  
 بهتر است که عرض خودم بر از روی تلگرافی  
 که يك پندر دادند از دزفول کرده است  
 عرض کنم  
 از دزفول آقای فرهودی رونوشت آقای  
 مکی رونوشت آقای جمال امامی  
 در نظلمات با تذکرات عید بنده از عدد  
 ماجراجوی توده دکتر گوشه گیر شاه باز  
 فرخی دامزشک موسی سری با تقویت  
 سرهنگ شهروزی نام حزب زحمتکشان را  
 با آنها قراردادند از بدو تشکیل حزب  
 آشوب گری و بلوا راه انداخته به نفع سیاست  
 اجانب با ارباب و تهدید و تبلیغات کمونیستی  
 و چاقو کشی آرامش این شهرستان را برهم  
 زده در نتیجه مردم توجه بشکایات و پیش بینی

فرامرزی - بنده از ماده ۱۰۹  
 می خواهم استفاده کنم.  
 رئیس - وقتی وارد دستورشدم آقای  
 شوشتری بفرمائید.  
 شوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم  
 چون من هم کسالت دارم و هم امروز روزی  
 است که باید بگریم و مقتضی امیدام گریه  
 من هم از روی واقع است از این پیش آمد  
 از این جهت وقت خودم را تقدیم می کنم  
 به آقای جمال امامی که ایشان بیایند و  
 صحبت کنند ولی يك عریضه ای که یک پندر  
 و پانصد نفر معترضین چهارم برای درخواست  
 اجرای مشع مشروبات الکلی نوشته اند تمام  
 از معترضین این را تقدیم بتمام ریاست  
 می کنم و وقت خودم را می دم به آقای  
 جمال امامی.  
 رئیس - آقای جمال امامی  
 جمال امامی - عرض کنم حضور

حضور

مجلس يك ربع بایشان وقت داد که صحبت  
 بکنند یعنی خودشان صحبت بکنند  
 آیا این حق برای ایشان است که به  
 دیگری بدهند یا نه از نظر سابقه باید  
 معلوم شود  
 در روز هشت ساعت هشت بعد از ظهر  
 باین کیفیت که این پندر بد بخت تلگراف  
 کرد در دزفول ۴ نفر چاقو کش ریخته اند  
 پس ۱۹ ساله او را که محصل دبیرستان بوده  
 جا بجا کشته اند این تلگراف رونوشتی هم  
 بجناب آقای مکی داشت و بنده از ایشان تشکر  
 میکنم که ایشان رونوشت را بجناب آقای  
 نخست وزیر دادند و جناب آقای نخست وزیر  
 هم بسیار متأثر شدند و دستور دادند که  
 بازرسی مخصوصی فوراً برود و رسیدگی  
 بکند و تشکر میکنم از آقای مکی که این  
 اقدام را فرمودند و از دولت هم امیدوارم که  
 بالاخره تصمیم بگیرند و خانه باین زندگانی  
 پرننگ مملکت بدهند.  
 فرامرزی - بنده از ماده ۱۰۹  
 می خواهم استفاده کنم.  
 رئیس - وقتی وارد دستورشدم آقای  
 شوشتری بفرمائید.  
 شوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم  
 چون من هم کسالت دارم و هم امروز روزی  
 است که باید بگریم و مقتضی امیدام گریه  
 من هم از روی واقع است از این پیش آمد  
 از این جهت وقت خودم را تقدیم می کنم  
 به آقای جمال امامی که ایشان بیایند و  
 صحبت کنند ولی يك عریضه ای که یک پندر  
 و پانصد نفر معترضین چهارم برای درخواست  
 اجرای مشع مشروبات الکلی نوشته اند تمام  
 از معترضین این را تقدیم بتمام ریاست  
 می کنم و وقت خودم را می دم به آقای  
 جمال امامی.  
 رئیس - آقای جمال امامی  
 جمال امامی - عرض کنم حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

حضور

کم و بیش با حزب توده همکاری میکردند این آقایان روزنامه نویس ها که اسم بروم با حزب توده بارزه میکردند ( صبح است ) ( صفائی - انتقام همان روزها را می خواهند بکشند ) ( زنک رئیس ) شما با حزب توده مبارزه می کنید بد میروید چرا بد ضد توده ای را غارت می کنید پس بگوئید هر کس با دولت ما مخالف است با ما وفق نیست یا تنبیه میکنیم با ما مبارزه میکنیم و اورا غارت میکنیم همین حرف را توده ای ها هم می زنند منتهی آنها صفتی هستند دولت نیستند اگر دولت باشند یک آزادی ها و یک قسمت از حقوق مردم را سلب میکنند ولی دیگر دولتش اجازه نمی دهد مردم را غارت نکنند این دولت پایش را بالا تر گذاشته کجای نبد دولت که نوسم نازیم، سوسیالیسم دمکراسی هیچ جای دنیا دیده غارت می کند این دولت بانه یتیم است و غارت می کنند بلند گوهی ههربانی داد میزد که منک حمله تحت فرماندهی تیسار شعبان بی مخ بقلان جا حمله کردند ( خنده نمایندگان ) ( یک نفر از نمایندگان - خنده ندارد واقعا گریه دارد ) بجان شما آقایان تاجر آور است یعنی از تاجر آور بالاتر خجالت آور داد می زدم که اینها مخالف مملکت هستند و بر علیه این مملکت را خواهند کشید می گوید ولی آن روزی که آن را مخالف مصالح شخصی خودشان تشخیص دادند آتش می زنند آنهم دولت این که مسخره است آقا این را چه می گوئید این ملت چه می گوید ما که حاج میرزا آقاسی علاقه مغرطی با احداث فئات داشت یک روزی سرچاه یک فتانی ایستاده بود مقنی می کند باب نمی رسد بالاخره اوقاتش تلخ شد و آن پائین فر فر می کرد و گفت آخر بریده میرزا آقاسی لعنت این جا که آب پیدا نمی کرد و گفت مردم که آب اگر پیدا نمی شود برای توان که پیدا می شود حالا ما آمدیم نفت را ملی کردیم باین ملت هم گفتیم از این برای تو هایدی بیشتر خواهد بود نان تو مزوج پیشتر خواهد شد من بعد بندهم خواهی دید نه تنها پتیر باو ندادیم نان را هم از او گرفتیم و برای ملت نه نان و نه آبی شد ولی برای یک دسته معین همه چیز ضد بقول فرنگیها لایقی وین آن مانزان شد

**L'appétit Vient en Mangeant**

منتهی آن نشاندن انتخابات را درست کردند باین مملکت را بهم ریختند حالا فرض کنید اینهم یک جور، حل بشود مگر این چنلوک بازی تمام می شود یک چنلوک بازی دیگری فراهم می کنند و هر اوصالی می کنند بنفتم می گویند که انگلیسها را بیرون کردیم آقا مگر همدان این بود که چهار نفر انگلیسی را

ببیرون کنیم اگر منظور مان این بود که اشتباه می کنیم و برعکس قانون شما این اجازه را بشما ن داده است منظور مان بود که از نعمتان عظیمی بیشتری ببریم بر هر کس تا این بشما این اجازه را نداده. برای حالا دیگر صحبت نفت را نمی گویند کس صحبت بکنند که تنها منبع هایند این مملکت را چرا خوابانید و چرا این نفت را زیر زمین گذارده اید می گویند این آقا نوکر استعمار و نوکر هر زهر ماری است حالا این آقایان پروژو دارند که خوزستان را آباد کنند بزرگ نیر بهار میاد و برای ملت نان می شود اینها می خواهند خوزستان را آباد کنند تا جای عواید نفت را بگیرد مسلمان خدای یکی را توی ده راه نمیدانند خانه کدخدای را سراغ می گرفت یک مهندس است بنام مهندس بازرگان این آدم شریفی است پدرش هم آدم مسلمان و شریفی است این بیچاره را مثل غالب ماها احساساتی کرده اند که آقا ما میخواهیم انگلیسها را بیرون کنیم نفت را بگیریم رفت خوزستان حالا آمده است یک مقاله نوشته است شما را بشما مقاله او را بخوانید این یک آدم بی طرفی است حالا مگر اخیراً نوکر استعمار شده باشد نمی دانم از وقتی که این مقاله را نوشته نوکر استعمار شده نوکر شرکت نفت شده ولی هفت هشت روز قبل از این نوکر نبود مثل اینکه چند ماه پیش از این بندهم نبودم و حالا شده ام او هم نبود حالا شده است ببینید چی نوشته است این رئیس هیئت مدیره شرکت نفت و آن یکی هم مهندس است هنوز هیچ چیزی نشده وقت ما خوابیده است اینها توی سر هم میزنند که تو مزخرف می گوئی او هم می گوید که تو مزخرف می گوئی آخر برای چه؟ موضوعش که از این رفت است ولی این بیچاره آمده یک حرف حق میزند چون مانع دکانداری است با وحمله کردند و قیام کردند و گفتند که تو مزخرف میکنی نتیجه اش اینست آقا این خلاصه طلبه انتخابات آزاد است که می بیند فعلا ما افراد اقلیت مجلس شورای ملی از پیش آمده ایم در مجلس تعصن اختیار کنیم برای اینکه دنیا اعلام کنیم ما نه تنها آزادی نداریم بلکه تأمین جانی هم نداریم ( شوشتری - صحیح است ) من چه بگویم آقایان که شما ما ندانید خاطر تان می آید روزیکه مصدق السلطنه آمد اینجا همین ده پانزده روز پیش بعد از مراسمها با شما گفت غلط کردید قانون گذارندید من از فردا انتخابات را اجرامی کنم

**رئیس -** آقای جمال امامی وقت آقا تمام شده است

**جمال امامی -** بنده نیم ساعت یک ربع عرض دارم اگر آقایان اجازه بدهید یک

ربع ۲۰ دقیقه دیگر صحبت کنم

**رئیس -** آقایان که موافقت نیست دقیقه دیگر آقای جمال امامی مطالبات را ادامه بدهند قیام کنند ( اکثر برخاستند ) تعویب شد بفرمائید

که شما بیخود کردید غلط کردید حالا بنده جسارت نمی کنم ایشان جسورند من بی اثر نیستم نمی گویم - آقایان تصدیق بفرمائید که پروژه تأخیر انتخابات را اقلیت نهاد ( صحیح است ) تمام آقایان شایسته وقتی بنده را دعوت فرمودند در آن کمیسیون مخالفت کردم و مخصوصاً کمیسیون راترک ملت نان می شود اینها می خواهند خوزستان را آباد کنند تا جای عواید نفت را بگیرد مسلمان خدای یکی را توی ده راه نمیدانند خانه کدخدای را سراغ می گرفت یک مهندس است بنام مهندس بازرگان این آدم شریفی است پدرش هم آدم مسلمان و شریفی است این بیچاره را مثل غالب ماها احساساتی کرده اند که آقا ما میخواهیم انگلیسها را بیرون کنیم نفت را بگیریم رفت خوزستان حالا آمده است یک مقاله نوشته است شما را بشما مقاله او را بخوانید این یک آدم بی طرفی است حالا مگر اخیراً نوکر استعمار شده باشد نمی دانم از وقتی که این مقاله را نوشته نوکر استعمار شده نوکر شرکت نفت شده ولی هفت هشت روز قبل از این نوکر نبود مثل اینکه چند ماه پیش از این بندهم نبودم و حالا شده ام او هم نبود حالا شده است ببینید چی نوشته است این رئیس هیئت مدیره شرکت نفت و آن یکی هم مهندس است هنوز هیچ چیزی نشده وقت ما خوابیده است اینها توی سر هم میزنند که تو مزخرف می گوئی او هم می گوید که تو مزخرف می گوئی آخر برای چه؟ موضوعش که از این رفت است ولی این بیچاره آمده یک حرف حق میزند چون مانع دکانداری است با وحمله کردند و قیام کردند و گفتند که تو مزخرف میکنی نتیجه اش اینست آقا این خلاصه طلبه انتخابات آزاد است که می بیند فعلا ما افراد اقلیت مجلس شورای ملی از پیش آمده ایم در مجلس تعصن اختیار کنیم برای اینکه دنیا اعلام کنیم ما نه تنها آزادی نداریم بلکه تأمین جانی هم نداریم ( شوشتری - صحیح است ) من چه بگویم آقایان که شما ما ندانید خاطر تان می آید روزیکه مصدق السلطنه آمد اینجا همین ده پانزده روز پیش بعد از مراسمها با شما گفت غلط کردید قانون گذارندید من از فردا انتخابات را اجرامی کنم

**رئیس -** آقای جمال امامی وقت آقا تمام شده است

**جمال امامی -** بنده نیم ساعت یک ربع عرض دارم اگر آقایان اجازه بدهید یک

او تنها منظورش تف صورت ما انداختن بود آخر مسلمان خدایمان این چه بود ایشان که آمده است قانون را زیر پا گذاشته یعنی اجازه شاهان را بعد هم عمل نکرده از قانون هم تغلف کرده این جرم است یا نیست روشن کنید مرا جرم هست یا نیست هنوز مقدمات انتخاباتشان تهیه نشده نمی دانم فرجه می کشند استانداران را در ازای عوض می کنند اینها با شما بجای بشوند یک طرفی بریزد پس یک حرف فشنکی گفت می گفت حالا که استانداران و فرمانداران را برای انتخابات بطور فرجه معین می کنند خوبست نصف دو وزیر انتخابات را هم بقره انتخاب کنند ظن قوی اینست که از این بدتر نخواهد شد این پیشنهاد خوبی بود و این پیشنهاد را بکنید یک کانا سیاهی بچای توی بقلش بود بچه گریه می کرد گفت نترس بچه گفت از تو می ترسم حیف حیف ( خطاب با آقای امیر تیمور وزیر کشور ) سابقه ارادت من طوری است که من شرم دارم نمی توانم بکسی که ارادت دارم حرفی بزنم ( صفائی - امیدوارم سوابق آزادی خودشانرا خراب نکنند ) ملاحظه بفرمائید ( اشاره روزنامه ) این یک جوانی است کسی وحش دهنه دزدی کرده از خانه هشت دهنه هم اتومبیل دزدیده یکسال و نیم هم در بندر عباس بوده بیخندید آقایان مدیران چرا بد این آقای فرامرزی از جناح امالی هنر می خواهم اخیراً شهربانی و اادار کرده است که روزی مدد آورده ( آزاد - شیر کش خانه هم دارد ) ( فرامرزی - خوش و قوم من که نیست چرا از من هنرمی خواهید ) و شهربانی با حقوق می دهی برای اینکه بن فشن بدهد ( پیراسته - اسمش چیست ) ( یکنفر از نمایندگان - مدبر روزنامه جان - سیاران است ) جانسیاران اشخاص شریفی هستند گوش کنید این یکی از روزنامه هائی است که با آقایان کمک می کند گوش بدهید من یک حکمی را می خوانم ( اداره دایره شمه رو بوشت گزارش مورخ ۲۰/۲/۳۰ وزارت کشور - شهربانی کل کشور معترفاً بر رضاعی میرساند تیمسار سر تیپ نغمی ریاست اداره انتظامی و سر کلانتری اظهار می نماید که تیمسار معظم ریاست شهربانی کل کشور مقرر فرمودند از ۱۵ آبانماه ۱۳۳۰ شعبان جمعری با ماهی ۲۰۰۰ ریال حقوق از اعتبار معمرانه استخدام کردد برای استحضار خاطر مبارک گزارش مرض تا هر نوع امر مقرر فرمائید اطاعت کردد رئیس اداره حسابداری معمرانه - عالی ) ( یکنفر از نمایندگان - بچه معمرانه بود ) این تیمسار سر تیپ شعبان بی مخ است که خانه مردم را غارت می کرده است و در مقابل این خدمات با ما می ۲۰۰۰ ریال در شهر بانی استخدام شده است من نمی دانم ما اینجا نشسته ایم چکار کنیم نشسته ایم که خودمان را گول بزنیم آخر مرده شور ببرد این انتخابات را که همه مان

دامان برای آن نثارده است آخر می خواهید چه بکنیم این چه و تانانی است با اینکه بیائید بنشینید اینجا افتخار می کنید

خانه از پای بست ویران است خواجه در بند نقش ایوان است یک وزیر دولت شیی نمیخواهد دستها بدهد با بعد از استعفا رفته تمام ادارات مالیه را با هم ریخته آشرایان را یک خوردده حاله بفرمائید اگر این دوسا بد بودند آقای شوشتری ملاحظه بفرمائید چرا دو زمان تصدی ایشان خوب بودند و وقتی میروید برای خلف خودش دیگری را می گذارد آخر این مفهوم دارد اگر بد بودند باید در زمان تصدی خودش آنها را تغییر می داد چرا آنها را شیی که میروید تغییر داده او که استعفا داده چرا انتخاباتی می کند این تغییرات این آقای وزیر مفهوم دیگری دارد اگر ندارد شما بفرمائید منکه نمی فهمم ( صفائی - خودش انکار ندارد ) خلاصه دردمان یکی دو تانیت هر جا برسیم همین آقایان طرفداران دولت هم بیرون فرور می کنند زیر گوش من و شما حالا منافع اجتماع ایشان ایجاب می کند که اینجا جور دیگر بگویند این عاقبت ندارد هم بنده میروم هم شما میروید هم مصدق و هم آقای امیر تیمور تر و خوشک با هم می سوزد و آقایان این طریقه اداره حکومت نزدیک کشوری نیست یک فکری بکنید تا که دست میرسد کاری بکن

پیش از آن کرد دست ناید هیچ کار خلاصه اگر یک نفر از طرفداران جدی دولت حتی جناب آقای ملک مدنی پشت این تریبون آمد و گفت با اینکه مملکت خراب شده است همه چیز شده است که کونیت شده است این کار خوب را دولت در این هشتاد کرد اگر کسی آمد بنده هم چو چیزی گفت بنده تسلیم ایشان می شوم آقایان شما ها بهر تریبی که آمده اید اینجا نشسته اید عجاناً نامتان نماینده ملت است ( صحیح است ) باید بفرماید حفظ مملکت و ملت باشید اگر هم ملت نفهمد شما باید بفهمید آن بیچارهها بشما نگاه می کنند شما زعانی قوم هستید تکلیف بگردن شما است بگردن مردم که نیست چرا دولت را سپرده اید بدست اشخاصی که از قدرت دولت بر علیه مملکت و مجلس و ملت سوء استفاده می کنند؟ حالا اگر این هرایش بنده با منافع بعضی ها اصطکاک دارد و بزهم آنها خوب نیست ولی والله بشما بعداً این منافع پایان ندارد نتیجه ندارد وقتی که مملکت شما باین روز افتاد شما و کالت داشته باشید ندانته باشید از شایسته می توانید استفاده کنید باز تکرار می کنم ما نمایندگان اقلیت و عده ای از مردم ایران چرا بد در مجلس متعصن شده ایم و بد نیای آزاد اعلام می کنیم که ما آزادی فردی و اجتماعی نداریم و انتخاباتی که خواهد شد نمونه اراده ملت ایران نخواهد بود ( بعضی از نمایندگان - صحیح است ) ( بعضی از نمایندگان -

بنده ای که یک روزنامه بنده نوشته بود بنده تقصیر کرده است که بنده رو باست به هم این عکسها شبیه است و این عکسها میرساند که دستهای ریخته اند و روزنامه را غارت کرده اند این روزنامه روزنامه یک صنف جوان است بنام جمعیت جان سیاران بنده کار برام و درش آن ندارم ( رئیس - هر چه صحبت کنید از وقت آقای آزاد می گیرید ) یک کشته فشن می دهند بکنند بهر کس هم انتقال می کنند یا نمی کنند بن برضو این بنده از اینها نمی گویم ولی بنده می گویم این آقای وزیر کشور ( اشاره به آقای وزیر کشور ) حضرتعالی دیدید که در دوره چهاردهم بخورد شما در میدان بهارستان چکار کردند این صبح نیست آقا اینکار نمی شود در مملکت و با رحاله بازی نمی شود حکومت کرد حضرتعالی کسی هستید که آمدید اینجا در دوره چهاردهم شکایت می کردید انتقاد می کردید از روش رجاله بازی چرا جلوی اینها را نمی گیرید اگر قادر هستید بگیرید والا اگر آدم نتواند وظیفه اش را انجام بدهد وزارت فایده ندارد شانی ندارد ( سعید مهدوی - اینها را که ایشان استخدام نکرده اند ) اگر نمی توانید بروید کنار شکایتی که این روزنامه کرده با استشهاده محلی هم هست که با قوای دولتی آمده اند این روزنامه را غارت کرده اند و تقدیم مقام ریاست می کنم

**رئیس -** آقای آزاد بفرمائید

**آزاد -** من مدتی بود که در پشت تریبون مجلس راجع به آقای دکتر مصدق صحبتی نکرده بودم علت سکوت من این بود که میل داشتم هیچگونه مزاحمتی به آقای دکتر مصدق ندهم که بفرغت خاطر مشغول کار رفت بشود ولی امروز سکوت خود را میشکستم زیرا از یکطرف می بینم از موضوع نفت علاوه بر اینکه چیزی ناید ما نشد ماهی ۲۵ میلیون تومان هم خسارت می دهیم و اگر این جریان چند ماه دیگر طول بکشد اعلان ورشکستگی ما اعلامی - شود ارضرف دیگر مشاهده میکنم که دولت مسلط بر اوضاع نیست و آقای دکتر مصدق که دائماً روی تخت خواب خوابیده اند یکی از جریان امور کشور بر اطلاع و همه روزه زد و خورد اعتصاب - هرج و مرج با منتهای شدت جریان دارد و روز پنجشنبه ۱۴ آذر هم بوجود آمد که منجر بقتل و غارت و موسسات ملی و ادارات روزنامه و تجارت خانه ها گردید

از تیرماه تا بحال این دومین قتل و غارتی است که در پایتخت کشور بوقوع پیوسته و مسبب آنها در کمال آزادی در خیابانها و پشت میزها مشغول کاری می باشند در ۲۴ تیر ماه یعنی روزی که هارمین نماینده مخصوص رئیس جمهوری آمریکا

صاحب نیست ) اینجا یک چند نفری هم هستند که من شرم حضور دارم و این جلسات یکم ولی یک دهنه دو دهنه ه دهنه آخر آدم مستاصل میشود اینجا سعی دارند که بین صحبت های من می فریزند نسبت به بعضی دلیل ندارد ولی نسبت به بعضی ها هم دلیل دارد چون من بهشان خوبی کرده ام نیکی کردم در عوض دشمنی می کنند بعضی شان دلیل ندارد و در عمر خود هم با آنها مواجه نشدم و سلام و عابک کمتر داریم من فکر کردم دهنه وقتی که یک کسی یک روز عضو حزب توده بوده یکروز آمده و از آزاده ملی شد یکروز رفته عامیون شده یکروز جیبه ملی شده این از جمال امامی سرشما بدش می آید که این آدم همیشه یکجور حرف میزند این سرشما بدش می آید جز این دلیلی ندارد چرا برای اینکه با آدم باید خوبی کرده باشد یا بدی کرده باشد دشمن تراشی کرده باشد هیچکدام را نکرده دشمنی نیست دیدم دلیل بعضی از این آقایان اینست که این آدم چرا همیشه یکجور حرف میزند خوب باید بدشان بیاید این تکرار را که آقای فرهودی فرمودند از دزفول رسیده است رو نوشتش بن هم رسیده ولی بنده از این تکرارها که می آید نمی آیم در مجلس بخوانم چرا؟ از اینجهت است چون من میدانم که دولت اعتنا نمی کند ولی چون عده ای را فرستادند از دزفول منتهم بهشان گفتیم که بروند نزد وکیل دزفول می گویند که حزب زحمتکشان ریخته اند همان روزی که اینجا را غارت کرده اند اینجا از جناب آقای دکتر بقائی استعفا می کنم که تعقیب بفرمائید اگر اینکار بنام حزب زحمتکشان شده است تنبیه بفرمائید آنها را چون شایسته نیست که بنام حزب یک افرادی کار خلاف قانون بکنند ( دکتر بقائی - صحیح است ) این شایسته نیست چون بریزد هم بنام حزب زحمتکشان اینکار هارا کردند حزب احتیاجی با بانکها ندارد حزب یک تریب خاصی دارد که اگر از آن روال منطقی و روش منطقی خارج بشود حتماً حزب نمی شود و بقیاً جناب آقای دکتر بقائی بهتر از بنده متوجه هستند و بر موز حزبی آگاهند ایشان نباید اجازه بدهند که در یک حزبی اشخاصی بعنوان حزب با قدرت حزب از آن سوء استفاده بکنند و مردم را بکشند یا غارت بکنند نباید بکنند این هافبت خوشی ندارد نه برای حزب و نه برای فرد بیش از این عرضی ندارم

**رئیس -** آقای پیراسته

**پیراسته -** بنده وقت خودم را بجناب آقای آزاد تقدیم کردم و آمدم اینجا بر مرض مقام ریاست برسانم که آقای آزاد در ۲۴ تیر ماه یعنی روزی که هارمین نماینده مخصوص رئیس جمهوری آمریکا



بوده که مساعده به مجری در دسترس نگذارد که اینجانب هیچ فایده ای ندارد و اگر بخوام با سازش با آن افراد یک حزبی تشکیل بدهم آبروی خودت می رود و اگر هم بخوام بدون سازش با اینها باشم وضیعت قضیه از این فراتر است این بود که بنده وقتی که توی راه میرفتم پیش خود گفتم و فکر کردم که میروم بدفوق و یک نطق مختصری می کنم بدون اینکه جمله ای چیزی باشد فقط برای اینکه مسائلی بعمل آمده باشد ولی وقتی که وارد دزفول شدم مصادف با یک منظره ای شدم که یقین دارم هر يك از آقایان هم در آنجا نشریف داشتند همان احساساتی را که بنده در یادتم در میانمندی معلی که برای حزب گرفته شده بود در خارج از شهر دزفول یعنی تقریباً نیم کیلومتر بیرون شهر است یعنی در مقابل دروازه ای بود که وارد می شدیم بطوری که ما می بایستی از وسط شهر عبور کنیم و از وسط شهر خارج بشویم و برویم بان محل حزب در تمام طول این راه که شاید متجاوز از سه کیلومتر می شد مردم دور این اتومبیل می دویدند و سعی می کردند خودشان را برسانند یا اتومبیل و فریاد می زدند دکتر بقائی ما را نجات بده از دست انگلیس ها و این اگر یک دقیقه دو دقیقه دقیقه بود می گفتم خوب یک چیزی ولی من دیدم صدا از تمام قلب های شهر بر می آمد بان جهت وقتی که بنده وارد حزب شدم خیلی متقلب بودم در آنجا برخلاف تصمیمی که ابتدا داشتم خیلی نطق بی پروا خاصیت وسیلی که بقول عوام است بکنم موثرترین نطقی که بنده در مسافرت خوزستان بر علیه انگلستان کردم در دزفول بود مردم آنجا دیدند که یک چیز تازه ای شنیده اند یک کسی آمده است بانگلیس ها نقش داده بنور که های انگلیس ها نقش داده حقایق را گفته يك استقبال عجیبی نسبت بان حزب کردند اشخاص متنقدی که متابع خودشان را در خطر شدیدی دیدند يك تلگرافی با آقای نخست وزیر کردند بعد يك تلگرافی بخود من که آقای تو آمده ای اینجا و افضالت کرده اند ما خودمان حزب تشکیل می دادیم و بان حزب که تشکیل داده ای و توده ایها دورتر گرفته اند من چون رویه ام معلوم است و این دودوره ای که با آقایان همکاری داشتم گمان می کنم که آقایان تا اندازه ای رویه بنده را می دانند بنده روی قصد و غرض خصوصی اقدام به تشکیل حزب نکردم برای اینکه اگر می خواستم این کار را بکنم احتیاجی به تشکیل حزب نداشتم بان که بسیاری از دوستان عزیز که نهایت لطف را به بنده دارند گفتند وقتی که حزب تویک مهرتی می رسد یکمده ای علاقمند هستند

یکمده ای کار دارند وقتی محراب درستی در مقابل آزدسف تشکیل میشود انحن تشکیل می شود گرازا دوستان عزیز من از راه مصلحت و راه نمایی این حرف را بمن زودتر من از آنها متشکر می ولی درسم که اگر من بخوام در این موقع که مصلحت مملکت است يك حزبی باشد و يك مبارزه اساسی بکنیم ستمی نکنه از ترس اینصفت دشمنی پیدا نکنم این يك عملی است که از روی خود پرستی انجام شده است بان جهت وارد این مرحله شدم چرا بن دزفول خبلی مفصل است ولی در دو کانه که متابع آن عدم منفذ محلی که سوابقشان بی اندازه روشن است و سوابق و خدماتشان هم بی اندازه روشن است بخاطر افتاده بان جهت شمه حزب زحمتکشان دزفول را معرفی می کنند يك شمه حزب تودم میگویند که توده ایها آمده اند و این جرایمات هم که چند روز پیش اتفاق افتاده بی اندازه باعث تأسف بود و بنده از جناب آقای امیر تیمور و همچنین از جناب آقای نخست وزیر خواهش کردم که يك بازرس بی طرف بفرستند آنجا رسیدگی بکنند و هر کس که مرتکب خلافی شده باشد باید تعقیب شود و تنبیه شود خواه مربوط به حزب زحمتکشان ملت ایران باشد و خواه مربوط نباشد ولی مسلماً من کسان که با فکر ما آشنائی پیدا کرده باشند بیرون حرامی که متعین کردم هستند دیچوقت وارد این قبیل کارها نمی شوند اما راجع به تهران هم تلویحاً و تصریحاً بان جا صحبت هائی نسبت به حزب زحمتکشان شد اطمینان دارم و امیدوارم بزودی مرتکب این واقعه پررور کشف بشوند و تنبیه بشوند ولی من یک چیز را فقط حضورتان عرض می کنم و بعقل سلیم آقایان و اگذار می کنم چون این يك قضیه ای نیست که از ممالک دیگر باشد توی مملکت خودمان است در این مملکت دزدی راهزنی خیلی رواج داشته بعضی از اوقات هنوز هم اتفاق می افتد بعضی پیدا می شوند که راهزنی می کنند جلوی اتومبیل را می گیرند و لخت شان می کنند از آقایان سؤال می کنم هیچوقت شنیده اید که این دزدانی که می آیند و يك جاده ای را می بندند و مردم را لخت میکنند فریاد بزنند که زنده باد مراد علی مراد مراد علی مراد که عرض کردم يك دزدی بود مال شهر خودمان مال کرمان مدتها راهزنی می کرد البته بعضی از روسای قشونی هم بهش کمک می کردند (فرامرزی - پس چرا و کجبل شده است جای شما بیاید بمجلس) (سالار بهزادی - در کرمان مولودان را و کجبل نمی کنند) همانطور که گفتند آقای فرامرزی در کرمان دزدها را و کجبل نمی کنند ما هیچ وقت نشنیدیم که يك کسی يك همای را بفرستند بزارت اینها وقتی

به مشغول عزت می شوند که یاد بزنند زنده باد مراد عالی مراد رئیس - وقت شما تمام شد

**دکتر بقائی** - بنده وقت دو ماده دارم بصحی مربوط بیانات آقای فرهودی و یکی ماده نود راجع بیانات آقای جمال امامی آن یکی که تمام شد و حالا راجع به تهران که آقای جمال امامی فرمودند عرض می کنم دوسه دقیقه بیشتر نیست هیچوقت دزد ها برای رئیس شان زنده باد نمی گویند یعنی سعی هم می کنند که آنها را نشانند این اشخاصی که رفته بودند این عمل بسیار تأسف آور را انجام دادند یعنی بجای خانه ها و روزنامه ها حمله کردند و بنده در این جا از ممبر قلب اظهار تأثر می کنم در این عملی که انجام شده فریاد می زده اند که زنده باد حزب زحمت کثان ملت ایران جلوشان را گرفت فرامرزی روزنامه اش را در اختیار آنها گذاشت آن وقتی که روزنامهها و قلمها را شکسته بودند فرامرزی این کار را کرد در همان موقع من بانسان ارادت پیدا کردم زیرا دیدم يك مرد اصولی است اصول رارعايت میکند و ما هم میخواستیم که اصولی باشیم هر کس بر روزنامه حمله کند بجای خانه حمله کند قابل تعقیب است و آدم بدی است از هر دسته و هر جا که می خواهد باشد اگر آدم حرف حساب دارد باید بنویسد و بگوید و با شکستن قلم کارن بیشتر نمیکند دیگر بنده عرضی ندارم (فرلادوند - حدس میزنید که کی کرده است شما و کجبل تهران هستید)

**رئیس** - آقای مکی

**دکتر بقائی** - الان اجازه بفرمائید دو کانه عرض کنم چون جایگاه خود بنده هم مورد حمله واقع شده است و هم روزنامه بنده مورد حمله واقع شده است و من مژه این کار را می دانم چیست برای دشمن خودم هم هیچ وقت نه تنها رضامنی دهم چنین چیزی بشود بلکه بی اندازه متأسف می شوم و جناب آقای امیر تیمور این جا تشریف دارند و بنده در خدمت ایشان بوزم و عقیده ایشان را بنده تأیید می کردم که باید جبران خسارت اینها بشود گذشته از این که از بعضی از مجلس بودم اما ساعت ده دقیقه بظهر مانده بود آقای نخست وزیر نامه ای نوشته بودند به هیئت مختلط که ما احتیاج بيك ماده واحده ای داریم که مجلس تصویب بکند که بفر از مشتریان سابق نفت را به مشتریان دیگری هم بفروشیم آقای دکتر مظلمی گفتند که سوابق قانون را بیاورند شی که قانون در مجلس مطرح بود معلوم شد پیشنهادی از طرف آقای آشتیانی زاده داده شده بود که مفهومش این بود که فقط باید مشتریان سابق بفروشیم بعد بنده دفاعی بنام مغیر کرده بودم که ما باید نفت را

آمریکائی ها هستند) برای ما امریکائیها فرقی ندارد برای ما خارجی خارجی است عرض کنم حضور آقایان راجع به موضوع حمله بجای خانه ها و روزنامه ها بنده کمال تأسف را دارم و راجع آنچه که بنده در مجلس نبوده ولی الان يك یادداشتی نوشته اند که گویا آقای آزاد راجع بقای شمس قنات آبادی چیزی گفته و آقای شمس قنات آبادی در همان موقعی که این اتفاقات می افتاد در مجلس خدمت آقای حائری زاده بوده اند و بنده هم خودم در مجلس ایشان را دیدم مقصود این است که این را آقایان دانسته باشند که هر عملی که بد باشد از هر کس سر بزند بد است

بنده ارادتی که با آقای فرامرزی دارم برای این است که در موقعی که نمی دانم کدام حکومت بود روزنامه های توده ای را دولت زنده باد حزب زحمت کثان ملت ایران جلوشان را گرفت فرامرزی روزنامه اش را در اختیار آنها گذاشت آن وقتی که روزنامهها و قلمها را شکسته بودند فرامرزی این کار را کرد در همان موقع من بانسان ارادت پیدا کردم زیرا دیدم يك مرد اصولی است اصول رارعايت میکند و ما هم میخواستیم که اصولی باشیم هر کس بر روزنامه حمله کند بجای خانه حمله کند قابل تعقیب است و آدم بدی است از هر دسته و هر جا که می خواهد باشد اگر آدم حرف حساب دارد باید بنویسد و بگوید و با شکستن قلم کارن بیشتر نمیکند دیگر بنده عرضی ندارم (فرلادوند - حدس میزنید که کی کرده است شما و کجبل تهران هستید)

**رئیس** - آقای مکی

**مکی** - امروز آقایان نمایندگان اکثریت سکوت کردند تا اقلیت حرفهای خودش را بگوید امیدوارم این سکوت روزنامه بنده مورد حمله واقع شده است و با اکثریت سرمستی برای اقلیت باشد و با دیگران هم به منطور رجوع اندازد رفتار نکنند (صحیح است) و خبر تهمت و افترا را کنار بگذارند بنده روز پنجشنبه از ساعت ده صبح در هیئت مختلط بودم (صحیح است) شهادت آقای نجم الملک ، آقای سروری ، آقای دکتر مظلمی آقای دکتر شایگان آقای صالح تا دو ساعت بعد از ظهر در مجلس بودم اما ساعت ده دقیقه بظهر مانده بود آقای نخست وزیر نامه ای نوشته بودند به هیئت مختلط که ما احتیاج بيك ماده واحده ای داریم که مجلس تصویب بکند که بفر از مشتریان سابق نفت را به مشتریان دیگری هم بفروشیم آقای دکتر مظلمی گفتند که سوابق قانون را بیاورند شی که قانون در مجلس مطرح بود معلوم شد پیشنهادی از طرف آقای آشتیانی زاده داده شده بود که مفهومش این بود که فقط باید مشتریان سابق بفروشیم بعد بنده دفاعی بنام مغیر کرده بودم که ما باید نفت را

بفروشیم اگر آنها بفر بزنند بهر مشتری دیگری خواهیم فروخت و این حق ملت ایران است و ما نمی توانیم تاخیر بیندازیم فروش نفت را این را سوابقش را نگاه کردیم دیدیم که مجلس به پیشنهاد آقای آشتیانی زاده رای گرفته و بنده با آن دفاعی بودم از آن آقایان اعضای محترم هیئت مختلط نفت گفتند ضرورتی بنامه واحد ندارد و الان فلانی بلند شود و برود این را با آقای نخست وزیر بگوید و برگردد (صحیح است) اول فرار بود آقای حسیه بیرون گناه بنده این بود که صورت مجلس را بر دم و برگردانم و رفتن و برگشتن بنده هم بیست و پنج دقیقه طول کشید جرم مکی این بود که از این خیابان رفته و برگشته است خواستم عرض کنم که آقایان اقلیت خوب است اشخاص را بشناسند (صفائی - از طرف اقلیت گفته نشده) خیلی معذرت می خواهم خیلی متشکرم آن کس که ز شهر آشنائی است - دانند که متاع ما کجائی است بنده به روزنامه ای که حمله بشود ولو دشمن جدی من که باشم مخالفم جرایم آزادند و هر نسبتی را که بهر کس بخواهند بدهند بدهند و من کسی بودم که ایستادگی کرده که این قانون زنجیر آزادی مطبوعات برداشته بشود و هیچوقت کسی که آتقدار ایستادگی کرده بخردش اجازه نمی دهم و بهیچ دولتی هم اجازه نمی دهم که بروند به يك روزنامه ای که محل ارتزاق او است محل کسب او است محل فکرا و است باو حمله کنند و بان عمل هم جدا و شدیداً و قویاً اعتراض دارم و اگر امروز آقایان اقلیت راجع بان موضوع صحبت نمی بکنند بنده خودم سوال می بکنم (احسن است) که نباید بيك روزنامه ای حمله کنند و غارت کنند این کار را بنده امروز اعتراض دارم (صحیح است) بنده معتمد فکر را باید با فکر گویند عقیده را باید با عقیده گویند این منطق بنده است و مطمئن باشید که منطق دولت دکتر مصدق هم همین است (صفائی - آن دومی را قبول نداریم) بنده با آقای امیر تیمور رفتم گفتم خود ایشان می دانند و همان ساعت که حمله شده بود بنده با تلفون از آقای هاشمی حائری از آقای میر اشرفی و آقایانی که بنده دیدم اظهار تأسف کردم و الان هم اظهار تأسف می کنم و از دولت هم می خواهم که مسیبن این واقعه را تعقیب کند (قاسم فولادوند تمام معاونت) لابد آقای امیر تیمور که اینجا تشریف آورده اند گزارش این موضوع را می دهند ولی من اطمینان بشما می دهم که هیچیک از افراد جبهه ملی و هیچیک از افراد دولت تا آنجائی که من اطلاع دارم با این ماجراجوئی ها با این جنجالها موافق نیستند (صفائی - فقط خودتان را بگویند قبول داریم) من همه را بشهادت می طلبم در این محضر

مجلس و خدا را که آدم بگویم که چه بگویم بنده با این قبیل کارها موافق نبودم و نیستیم و خواهم بود (صحیح است) و وقتی که زنده آقای دکتر مصدق رفتم و در این باره سؤال کردند خیلی اظهار تأسف کردند از این قضایائی که اتفاق افتاده است من این شهادتی است که در محضر مجلس می دهم و خواستم عرض کنم در مسائل اصولی هیچوقت اقلیت و اکثریت نداریم نسبت بان واقعه هم من با آقایان نمایندگان محترم اقلیت هم فکر هستم و اظهار تأسف می کنم (صحیح است) احسن است و امیدوارم که دولت نسبت بان حادثه رسیدگی بکند و تمام نمایندگان اکثریت هم از این حادثه متأسف هستند (صحیح است) (تیمور تاش ملت ایران متأسر است) و امیدوارم که تکرار نشود و ماجراجویان هم مورد تعقیب قانونی قرار بگیرند (احسن است)

**غلامرضا فولادوند** - آقای مکی بولایات هم میخوانند از این دسته با فرستند **رئیس** - آقای ملک مدنی هم بعنوان ماده ۱۰۹ میخوانند صحبت بفرمائید

**ملک مدنی** - عرض کنم که آقای آشتیانی زاده این جا بیاناتی فرمودند که حزب رستاخیز غارت شده است بنده خواستم توضیحاً عرض کنم از حزب رستاخیز ایران چیزی غارت نشده است در موقعی که جلوی مجلس يك زد و خورد هائی شده است يك حزب رستاخیز رفتند و اند و از آنجا خارج شده اند و چیزی هم برده اند (شوشتری - بایلو را برداشتند باخیر؟) بایلو را بعداً برداشتنند عرض کنم ما مبارزه ای با هیچ دسته ای نداشتم این که بیان کردند حزب ملک مدنی (صفائی - شما بیدریشان هستید) حزب مال بنده نیست مال يك عده جوانان و مردمان تحصیل کرده ای هستند که در آنجا اجتماع کرده اند این واقعه جرائم را هم که آقای مکی بتفصیل بیان کردند بنده هم نسبت بان قضیه اظهار تأسف می کنم ما نباید هیچوقت این را درازا باز کنیم که این عمل واقع بشود جرائم آزادند که هر انتقادی را از روی منطقی بکنند بعقیده بنده هیچ اشکالی ندارد یا بر له یا بر علیه

**رئیس** - آقای فرهودی

**فرهودی** - آقای دکتر بقائی فرمودند که اهالی دزفول تحت سیطره انگلیسها هستند (دکتر بقائی - حالاً نیستند بر علیه انگلیسها قیام کردند) بشصت هزار نفر اهالی دزفول بجهت مناسبت می گویند اجنبی پرست هستند ؟ آقای دکتر بقائی در سفر خوزستان فقط ۲ ساعت در دزفول بودند ساعت ۹ شب وارد شده اند ساعت ۱۱ شب از آنجا خارج شده و رفته اند در ظرف ۲ ساعت که آنهم از خستگی راه غسته بودند آنجا تشریف آورده بودند معلوم نشد که چگونه می توانستند بفرمانند که

مجلس و خدا را که آدم بگویم که چه بگویم بنده با این قبیل کارها موافق نبودم و نیستیم و خواهم بود (صحیح است) و وقتی که زنده آقای دکتر مصدق رفتم و در این باره سؤال کردند خیلی اظهار تأسف کردند از این قضایائی که اتفاق افتاده است من این شهادتی است که در محضر مجلس می دهم و خواستم عرض کنم در مسائل اصولی هیچوقت اقلیت و اکثریت نداریم نسبت بان واقعه هم من با آقایان نمایندگان محترم اقلیت هم فکر هستم و اظهار تأسف می کنم (صحیح است) احسن است و امیدوارم که دولت نسبت بان حادثه رسیدگی بکند و تمام نمایندگان اکثریت هم از این حادثه متأسف هستند (صحیح است) (تیمور تاش ملت ایران متأسر است) و امیدوارم که تکرار نشود و ماجراجویان هم مورد تعقیب قانونی قرار بگیرند (احسن است)

**غلامرضا فولادوند** - آقای مکی بولایات هم میخوانند از این دسته با فرستند **رئیس** - آقای ملک مدنی هم بعنوان ماده ۱۰۹ میخوانند صحبت بفرمائید

**ملک مدنی** - عرض کنم که آقای آشتیانی زاده این جا بیاناتی فرمودند که حزب رستاخیز غارت شده است بنده خواستم توضیحاً عرض کنم از حزب رستاخیز ایران چیزی غارت نشده است در موقعی که جلوی مجلس يك زد و خورد هائی شده است يك حزب رستاخیز رفتند و اند و از آنجا خارج شده اند و چیزی هم برده اند (شوشتری - بایلو را برداشتند باخیر؟) بایلو را بعداً برداشتنند عرض کنم ما مبارزه ای با هیچ دسته ای نداشتم این که بیان کردند حزب ملک مدنی (صفائی - شما بیدریشان هستید) حزب مال بنده نیست مال يك عده جوانان و مردمان تحصیل کرده ای هستند که در آنجا اجتماع کرده اند این واقعه جرائم را هم که آقای مکی بتفصیل بیان کردند بنده هم نسبت بان قضیه اظهار تأسف می کنم ما نباید هیچوقت این را درازا باز کنیم که این عمل واقع بشود جرائم آزادند که هر انتقادی را از روی منطقی بکنند بعقیده بنده هیچ اشکالی ندارد یا بر له یا بر علیه

**رئیس** - آقای فرهودی

**فرهودی** - آقای دکتر بقائی فرمودند که اهالی دزفول تحت سیطره انگلیسها هستند (دکتر بقائی - حالاً نیستند بر علیه انگلیسها قیام کردند) بشصت هزار نفر اهالی دزفول بجهت مناسبت می گویند اجنبی پرست هستند ؟ آقای دکتر بقائی در سفر خوزستان فقط ۲ ساعت در دزفول بودند ساعت ۹ شب وارد شده اند ساعت ۱۱ شب از آنجا خارج شده و رفته اند در ظرف ۲ ساعت که آنهم از خستگی راه غسته بودند آنجا تشریف آورده بودند معلوم نشد که چگونه می توانستند بفرمانند که

توجه بفرمائید و باین دلیل عرض کرده اند که بنده (دکتر بقائی - کی گفته که بنو کر انگلیسها هستند؟) بنده اصلاً این عنوان را این بیان را نسبت بهر ایرانی و نسبت به اهالی هر شهری نکردم این بیان را نسبت می دانم (صحیح است) بجهت مناسبت بيك جمله ایرانی را می گویند نوکر انگلیسها هستند ؟

**دکتر بقائی** - کی همچو چیزی را گفته ؟ اینها دشمن انگلیسها هستند **فرهودی** - علاوه آن مردمی که در دزفول هستند آن بیچاره هائی که در آنجا منزل دارند مردمی هستند زارع و رعیت و زراعت می کنند حضور نوکر انگلیسها هستند در صورتیکه دزفول نه معدن فقط دارد نه تصفیه خانه دارد و نه لوله نفت از آنجا عبور می کند حتی يك پست بنزین فروشی که در تمام ایران هست در دزفول نیست آنوقت نباید يك همچون نسبتی را با اهالی دزفول داد آخر حفظ حیثیت مردم هم خوب چیزی است شرم هم خوب چیزی است من و شما که و کجبل نشده ایم که بیائیم اینجا و آبروی مردم را ببریم و هر چه می خواهم بگوئیم

**دکتر بقائی** - احضار دارم (شوشتری - بس است دیگر بنشین) (زنك شدید رئیس)

**رئیس** - آقای شوشتری بشانند که می دهم (نمایندگان - دستور) این جا بطوریکه از تهنه نویسی تذکر می دهم همچو بیانی آقای دکتر بقائی نکرده بود

**دکتر بقائی** - اجازه بفرمائید بگویم که توضیح عرض کنم **رئیس** - همان جا سر جایشان بفرمائید

**دکتر بقائی** - بنده آقایان نمایندگان محترم را بشهادت می طلبم که در پشت این تریبون گفتم که بنده وقتی رفتم دزفول دیدم اهالی بیچاره این شهر تحت سیطره یکمده ای محدود هستند که این عدم محدود نوکر انگلیسها هستند (صفائی - نتیجه اش یکی است) و نگفتم که اهالی دزفول نوکر انگلیسها هستند اهالی دزفول با مبارزه ای که می کنند نشان دادند که مخالف انگلیسها هستند می گویند خدا را کسی نفید ولی بدلیل عقل شناخت (شوشتری - آمریکا تراهم بدلیل عقل شناختند) (زنك شدید رئیس)

**رئیس** - آقای شوشتری بشانند که می دهم اینطور حرف نزنید **دکتر بقائی** - کسی خدا را نفید اما بدلیل عقل شناخت از بعضی از آقایان گفتم که من حاضر هستم که از جیبم هم شده جبران مالی کنم منظور از این بیان و این مقدمه این بود که عرض کردم که من برخلاف راستی و صداقت در پیشگاه مجلس عرضی نکرده ام برای این نکته بود که این اظهاراتی که در اینجا شده

و نسبت بدولت و پادشاهان و مأمورین مخصوصه و متکلیفین  
 شهربانی اظهارات و شد من تا چنانکه متکلیف  
 بکنند ( بگر او نمایندگان - چاپری )  
 زیرا که تا که شش صد نفره و صدها نفر از  
 طرف مأمورین های از این درین عوام  
 انقلاب و جلو گیری از عوامل فتنه و فساد  
 شده و البته چون موضوع تحت رسیدگی  
 است و بواسطه حکمی وقت هنوز پرونده  
 تکمیل نشده است جریان واقعه را در یک  
 موقع دیگر عرض عرض مجلس شورای ملی خواهم  
 رساند ( صفائی - در دوره گذشته انشاء الله )  
 به آقا اطمینان می دهم بجهت با نهایت سرعت  
 تحت رسیدگی است عده زیادی از کسانی  
 که مرتکب خلاف شده اند بازداشت شده  
 اند و در تحت تحقیق و رسیدگی هستند آقا  
 اگر الان هم بخواهید تشریف بیاورید  
 ممکن است دستور بدهم که پرونده ها را  
 در دسترس جناب عالی بگذارند تا ببینید  
 کوچکترین غفلتی نشده است و مأمورین  
 شهربانی مخصوصاً با منتهای باکی و درستی  
 و با منتهای ایمان و صداقت و از جان گذشته  
 فقط و فقط در راه ایفای وظیفه که قیامت از  
 حفظ نظم و جلوگیری از آشوب بوده  
 است کوشیده اند ( صفائی - اگر خدمت  
 نکنید تغییرات مبدعند ) بنده آقای صفائی  
 هیچوقت از کسی تقاضای جاه و مقام کرده  
 ام و در طلب جاه و مقام نبوده ام ( صحیح  
 است ) و بجاه و مقام هم اهمیت نمیدهم  
 شخصیت شخصی خودم را هم مافوق این  
 مقامات نمی دانم و برای حفظ حیثیت شخصی  
 هم تمام این مقامات را در گذشته زیر پا  
 گذاشته ام و در آتی هم زیر پا خواهم  
 گذاشت ( صحیح است ) بکنس آقایین  
 بدانند که نقشه ای که ماجراجویان طرح  
 کرده بودند خیلی وسیعتر از این چیزی  
 است که در خاطر جناب عالی ممکن است معجم  
 شود نظر اینها این بود که در چندین نقطه  
 شهر عناصر مشکوک جنجالی بیا کنند تا  
 قوای انتظامی تجزیه شده و آن ها  
 وارد میدان بهارستان شوند  
 در حالی که جلسه علنی مجلس شورای ملی  
 تشکیل بود آنها را آزاد بگذارند تا بتوانند  
 نقشه های را که داشتند بر سر اجرا بگذارند  
 علت اساسی دستبرد در خیابانهای دور و نزدیک  
 نیز همه برای تعقیب چنین نظر بوده است  
 در همان ساعت اجتماع دیگری هم در مقابل  
 بازرسی نخست وزیر تشکیل شده بود  
 گرچه در این حادثه تأسف آفر آورده ای  
 دستخوش خسارات مالی شده اند عده ای  
 مصدوم و مجروح شده اند از همه بیشتر  
 مأمورین شهربانی صدمه دیده اند ولی قوای  
 انتظامی با حفظ خونسردی توانستند مشکلات  
 غلبه کنند و امنیت و آرامش شهر را حفظ  
 کند اکنون هم دستور جناب آقای نخست  
 وزیر یک هیئت بازرسی مخصوص تعیین شده  
 که بجزئیات اینگونه اعمال رسیدگی نموده  
 و متخلفین از قوانین و مقررات را از هر

دسته ای که باشند مورد تعقیب قرار دهند  
 فرموده که بعد از تحقیق و گزارشات اشخاص  
 را که در این حادثه در حالی بوده اند در  
 حدود قانونی رسیدن ان شود و معرکه ای  
 خود برسد تا نظایر این اتفاقا تا  
 انگیز درگ تکرار نشود بنده از وقت  
 استفاده می کنم لایحه ای تهیه شده و تقدیم  
 مجلس شورای ملی می شود که درخواست  
 می شود نسبت بازمانده کار صحت صادی  
 نورشاد که در حین خدمت متوفی شده است  
 از طرف مجلس یادش برای وراثت و تعیین  
 شود و از فرصت باز استفاده کند و عرض  
 می کنم که مرحوم سرهنگ نوری شاد یکی  
 از افسران است که مدت عمر خودش را  
 با کمال صداقت و درستی و راستی در راه  
 انجام وظایف مجاوله صرف کرده است و  
 این مرحوم بعد از این واقعه که شربت  
 شهادت نوشد از مال دنیا هیچ چیز نداشت  
 و حتی براهبری که در تن داشته چندین وصله  
 داشته است حال این لایحه تقدیم می شود و  
 امیدوارم که مجلس شورای ملی همانطوریکه  
 همیشه از خدمتگذاران واقعه کشور تجلیل  
 و تشویق کرده است در این موقع هم  
 نظر خودشان را باز نماند و استدعای  
 کنم که در تصویب این لایحه تسبیح شود  
 آقایان نمایندگان محترم بدانند که مأمورین  
 شهربانی خدمتگذار آتیا هستند و شما  
 اطمینان می دهم که مأمورین شهربانی از  
 کله این تصوراتی که آقایان درباره آنها  
 می کنند میرا هستند و این مردمان شریف  
 درست و خدمتگذار صادق و صمیمی جز  
 اجرای قوانین و جز انجام وظایف از هیچ  
 متصدی بیروی نکرده اند و نخواهند کرد  
 و اینها شریف ترین خدمتگذاران این  
 کشور هستند در حادثه در قولم که جناب  
 آقای فرهودی بیان کردند متأسفانه از ۴  
 ماه قبل در ذوق یک اختلافاتی ایجاد شده  
 بطوریکه در چهار ماه قبل هم آقای فرهودی  
 از حدود این اختلافات اطلاعاتی به بنده  
 دادند و به بنده شکایت هم کردند بنده  
 هم تذکر داده که البته آن موقع مورد توجه  
 دولت هم قرار گرفت متأسفانه این اختلافات  
 بجائی کشیده که اخیراً دو دستگی بوم  
 زده که یک نفر با چاقو مضروب و فوت شده  
 است بنده بلافاصله دستور دادم که مرتکب  
 در هر کجا باشد حتماً باید دستگیر شود و  
 دستگیر خواهد شد به آقا هم اطمینان می دهم  
 بچنانچه خواهد رسید و انشاء الله هم جای  
 نگرانی باقی نخواهد ماند  
**شوشتری** - در گرگان هم همان روز  
 از توی فرهنگ حرکت کردند  
**وزیر کشور** - بنده تمام تقاضای دستور  
 دادم و اینجا هم پشت تریبون مجلس شورای  
 ملی اعلام می کنم که در هر کجا کلبه عوامل  
 فتنه و فساد و کسانی که در پی اغتشاش و بی  
 نظمی هستند قویاً و شدیداً از آنها جلوگیری

خواهند شد و در هر مقامی که باشند با داشت  
 میشود مصالح علیه مملکت فوق همه چیز  
 است بهر حکومتی اولین و شرفی که بدهد  
 دارد ایجاد امنیت است باید امنیت و مصالح  
 علیه مملکت حفظ بشود و مصالح علیه مملکت  
 نمی شود دستخوش اغراض و نظریات خصوصی  
 اشخاص و یا دستخوش خصیصی قرار بگیرد  
 ( صحیح است ) و انشاء الله به آقا اطمینان  
 میدهم که همه اینها حله گیری خواهند شد  
 در آتی خیلی نزدیک اما باید فرصت داشته  
 باشیم  
**پیراسته** - جناب آقای امیر تیمور  
 آتشی که ترمز شد من مستند به دستشان  
 خانه بدهید  
**وزیر کشور** - آقا قول میدهم  
 رسیدگی می کنیم اگر چنین چیزی باشد  
 حتماً خانه بدهم و قول میدهم به آقا که  
 بنده از چنین جریاناتی اطلاع ندارم و نمی  
 توانم باور کنم که یک چنین جریانی باشد  
 مملکت به آقا قول شرف میدهم که اگر  
 این جریان راست باشد یا جریانی  
 نظیر این باشد آقا جلو گیری خواهد  
 شد  
**پیراسته** - به عکسها هم رسیدگی  
 کنید  
**رئیس** - شما نمی گذارید صحبت  
 کنند آقای وزیر کشور این لایحه با فوریت  
 تقدیم شده یا خیر؟  
**وزیر کشور** - لایحه مالی است باید  
 فوریت تقدیم شده  
**(بشرح فوریت لایحه  
 مستمری ورثه مرحوم  
 سرهنگ نوری شاد)  
 رئیس** - لایحه قرائت میشود  
 (شرح زیر قرائت شد)  
 ساحت محترم مجلس شورای ملی  
 بطوری که خاطر آقایان مستحضر است  
 (رئیس) آقایان بیرون تشریف نبرید می  
 خواهیم با فوریت لایحه رای بگیریم ( بر  
 اثر حادثه روز پنجشنبه چهاردهم آذر ماه  
 شهربانی کل کشور یکی از افسران شریف  
 و وظیفه شناس و با تقوای خود را از دست داد  
 چون تشویق از خدمتگزاران مملکت  
 همواره وجهه نظر مجلس شورای ملی و  
 دولت می باشد و این رویه موجب خواهد  
 شد که رشته وحدت ملی محکمتر و امیدواری  
 کلیه مستخدمین افزونتر گردد ماده واحده  
 زیر را بقید یک فوریت تقدیم و درخواست  
 تصویب آنرا دارد  
 ماده واحده بدولت اجازه داده می  
 شود که برای حکومت بخواهد مرحوم  
 سرهنگ دوم صادق نوری شاد که در حادثه  
 چهاردهم آذر در راه انجام وظیفه مجروح  
 و متوفی شده است مبلغ یکصد هزار ریال  
 بورات قانونی آن مرحوم بلافاصله بپردازد  
 و علاوه مادامی که همسر یادختر او شوهر  
 اختیار نکرده و پسران او مشغول تحصیل

می باشد تمام حقوق و مزایای او که در  
 آخرین ایام خدمت مرحوم نوری شاد میگرفته  
 بخواهد پرداخت شود  
 نخست وزیر - در کمیته مصدق  
 وزیر کشور - امیر تیمور  
 جاز - وزیر دارائی - قروان  
**رئیس** - فوریت لایحه مطرح  
 است آقای فرامرزی مخالفید؟  
**فرامرزی** - بله مخالفم  
**رئیس** - بفرمائید در فوریت  
 صحبت کنید  
**فرامرزی** - بشرطی که آقای رئیس  
 اطف بفرمائید و اجازه بدهند که من حرفهای  
 خود را بزنم من آنها با فوریت این لایحه  
 مخالفم مخالف این هستم که جبران هر  
 خونی در این مملکت بشود برای این که  
 اصل در این مملکت با مال شدن خون مردم  
 است ایشان بی انصافی میکنند که می خواهد  
 خون یک کسی را جبران بکنند یا از ورثه اش  
 استمات بشود بنیای این دولت بر این است  
 یعنی مینای دولتهای این مملکت بر این  
 است که قاتلی را پیدا کنند و به آنها مزد دهند  
 و با حق بدهند که حکومت بکنند در این  
 مملکت مینای کار این مملکت این است نه  
 اینکه بیایند و یک حقی بدهند که چرا کشته  
 شده بناحق یا در راه انجام وظیفه من در این  
 مجلس خصوصی از آقای دکتر مصدق خواستم  
 راجع به واقعه لایرونده را از استاد ارتش  
 بخواهند با دکان آنجا گزارش داده استاد  
 ارتش که چه کسی مؤسس قتل است کی  
 قاتل است کی محرک است کی عاملست و  
 سپس چیست هر روز یادگان این گزارش  
 را می داند به استاد ارتش و در آنجا معین  
 هستند آقای دکتر مصدق سرش را انداخت  
 پائین و جواب نداد برای اینکه نمی خواست  
 پرونده را بخواهد برای اینکه ایشان برای  
 قاتل حق قائل شدند نوی این مملکت کسیکه  
 قتل کرد و جنایت کرد در نظر دولت دارای  
 حقی می شود و در آن معنی که قتل کرده اند  
 می گوید به بنیم اراده قاتل چیست و تابع  
 نظرا و باشیم نمی گویند که کی قتل کرده؟  
 در همین واقعه لایرونده من می گویند برو کنار  
 که قتل می شود نمی گویند که ما قاتل را می  
 گیریم نمی گویند که ما رسیدگی میکنیم  
 که کی قاتل است می گویند باید زیر و بالا  
 کنیم که قاتل از کی راضی است در آنجا  
 در مملکتی که قتل این قدر قیمت دارد در  
 مملکتی که قاتل این همه اهمیت دارد در  
 مملکتی که بتقتول نفس می دهند چرا شما  
 می خواهید که احقاق حق یک متوفی را  
 بکنید؟ گفت حشرک مع الجماعه این نیست  
 بگذارید ورثه این متوفی عیب داشته باشند  
 یعنی مثل سایر مقتولین و مصدومین این مملکت  
 حقتان از بین برود اینها را این دسته را  
 براه انداختن این ترتیب اسس را گذاشتن

مبارزه با حرب توده مبارزه با حزب توده  
 راهش این نیست ( صحیح است ) الان این  
 تشکیلات و این دستگاه مال عناصر راست  
 است مال عناصر و مخالف حزب توده است  
 کدام یکی از شماها این دستگاهها و این  
 تشکیلات اعتماد دارید و می توانید باو تکیه  
 بکنید آنچه حتماً حزب توده را با هر حزب  
 دیگری که باین ترتیب باشد حتماً مسلط  
 بر این مملکت خواهد کرد این تشکیلات شهادت  
 ( صحیح است ) هیچ دروغ از شما ها که  
 مدعی هستید با حزب توده مبارزه می کنید  
 پشت سر هم دیگر مستند؟ الان بپراسته را  
 بکشند همین تشکیلات راست خوش را  
 هدر خواهد داد عرض کنم این مردی که  
 کشته شد و من متأسف هستم از این قضیه  
 این مردی که در راه انجام وظیفه اش کشته  
 شده چه مطابق قانون مدنی چه مطابق شرع  
 اسلام شهید است برای اینکه مطابق آیه  
 قرآن آن سربازی که می ایستد و دفاع  
 می کند و عمل میکند برای جلوگیری از  
 اغتشاش و ناامنی و هرج و مرج مطابق قرآن  
 او جهاد در راه خدا می کند و وقتیکه کشته  
 می شود شهید است من از این حرفی ندارم  
 و خیلی متأسفم از این موضوع این تذکر  
 را این جا می خواستم بدهم و برای همین هم  
 مخالفت کردم من از قضیه روز پنجشنبه بی  
 اندازه متأسف هستم مخصوصاً به آن اصولی  
 که اگر نباشد من نمی توانم در این مملکت  
 زندگی بکنم فامیل من نمی تواند زندگی  
 بکند این طور بازی شد از این بابت متأسفم  
 و بیشتر متأسف هستم که این بهانه شد برای  
 این که بروند هر روز نامه مخالف دولت  
 را فارت بکنند اگر دولت در این عمل  
 شرکت داشته است بسیار جای تأسف است  
 و اگر شرکت نداشته آنها دوستان نادانی بوده اند  
 که بسیار بدولت لطمه زدند ولی در همین حال  
 می خواهم بدانم که این دخترها و این شاگرد  
 ها چرا هر روز میاورند به میدان  
 گفت کتب العرب و القتل هابنا و علی -  
 القایات جلال دیول \*

میدان و مبارزه و سپه دانن کار نیست  
 مال مردهاست دختران را آوردن و جنس  
 انداختن که مردم در حضور اخلاقی کبر  
 بکنند تا آنها مقصودشان را بیش بپرانند  
 این نامردی است و بعد از این شاگردهای  
 که هر روز می آیند در میدانها برای نمایش و  
 تظاهر آخر سال تکلیف معام با اینها چیست؟  
 آیا نامه قبولی به اینها بدهد و با بردنشان  
 بکند؟ اگر قبولشان بکنند این عا درس  
 نخواندند و اگر در شان بکند چاقو  
 بهلوی مملکت فرمی کند کی نظام این مملکت  
 است؟ کی حفظ میکند وضیعت را که این  
 طور بشود؟ و خودش هم تجاوزه نکند  
 که این تجاوزه بهانه بمخالفینش ندهد که او  
 هم مقابله بمثل بکند  
**رئیس** - آقای فرامرزی وقت  
 جناب عالی قریب با تمام است راجع با فوریت  
 صحبت کنید  
**فرامرزی** - الان عرضم و تمام  
 میکنم حتماً مربوط با فوریت است برای آن  
 که باین دلیل می خواهم فوریتش رد بشود  
 آقای جمال امامی فرمود که اگر فرامرزی  
 متعصب نباشد تصب از عصب گرفته شده  
 عصب یعنی رگ آدمی که کورک نداشته باشد  
 آدم نیست ( صحیح است - خنده نمایندگان )  
 این حوادث چرا رخ می دهد؟ برای این  
 رخ می دهد که مردم در این مملکت بقول  
 دوست ما و هم شهری ما آقای دکتر صورتگر  
 محتاج قانون ننوشته هستند یک قضایایی  
 هست دکتر صورتگر می گوید قانون  
 ننوشته باید روی آن حکم کند یعنی می  
 گوید اگر این را بپسندید بدلیه بدهید که  
 رسیدگی کنند رسیدگی نمی شود تو برو  
 جوابی برادر بزن تو سر مردیکه اسم این  
 کار قانون ننوشته است چون ماعدلیه نداریم چون  
 قانون اجرا نمی شود چون خون و مال و ناموس و  
 حیثیت مردم در الفاظ کم می شود این است که مردم  
 مجبورند خودشان دست به چوب بکنند و برینند توی  
 سرهم دیگر و بعد کار باین جا رسد که بقول  
 ایشان یک اسر شریفی کشته بشود چیز  
 های دیگری هم اینجا یاد -  
 داشت کرده بودم که عرض بکنم

ولی از فرمایشات جناب آقای رئیس بپداست  
 که اجازه نخواهند داد باین جوی عرض  
 نمی کنم  
**رئیس** - در خود لایحه بفرمائید  
**فرامرزی** - در خود لایحه میکنم  
 است که عرض کنم و اساساً مخالفت خودم  
 را پس گرفتم چرا مخالفت نکنم با لایحه ای  
 که بران جبران یعنی برای تسلی سلطه  
 ورثه یک شهیدی بمجلس آمده است  
**رئیس** - آقای کشاورز صدر (مصدق)  
 منی مسعودی - مخالفتتان را که پس گرفتند  
 باید موافق حرف بزنند پیشنهاد نیست بکنند  
 و وقتی پس بگیرند از بین برود  
**کشاورز صدر** - بنظر بنده این  
 موضوعی که الان مطرح است خصوصاً  
 فوریتش و بعد هم اصل موضوع بسیار در  
 تأمین نظم و آسایش و امنیت و چه اکثریت  
 مؤثر است همه داد میزنم و فریاد می کنم  
 که امنیت باید باشد همه داد میزنم بکنند  
 مأمورین انتظامی باید قدرت داشته باشند  
 باید تشویق بشوند بایستی که امیدوار باشند  
 تا وظیفه خودشان را انجام بدهند خدای واحد  
 شاهد است همانطوری که جناب آقای مکی  
 فرمودند در طبقه و موافقین دولت هم هیچ  
 تردیدی راجع به این اظهارات تأسف و تأثیری  
 که از جانب نمایندگان محترم اقلیت در  
 حادثه خرابی و غارت شده است نیست و  
 آقایان هم با اقلیت هم آوازند حادثه روز  
 پنجشنبه که اتفاق افتاد دارای وجهه است یکی  
 موضوع وظیفه شناسی مأمورین شهربانی  
 است که من خودم همینجا بودم بکنند تمام  
 نمایندگان اقلیت آقای جمال امامی و  
 دیگران اظهار میکردند بر اینکه دولت و  
 شهربانی انصافاً خوب ایستادگی کرد تا  
 منع جلوگیری کرد از یک دسته ای بکنند  
 با آنها می گوید نباید بیانی و باید اطاعت  
 امر مأمور را بکنی و خوب جلوگیری کرد  
 و اینها را ردشان کرد برای اینکه حکمش  
 را بخواستند و مردم تأمین داشته باشند در  
 اینجا تمام نمایندگان اقلیت اظهار رضایت  
 از این کار شهربانی میکردند و راضی  
 بودند اما یک موضوع دیگری

بود که ریختند و رفتند ادارات روزنامه را  
 غارت کردند و مراحت فراهم کردند اینها  
 برای هیچکس تردیدی ندارد که باید  
 شدیداً مجازات بشوند حتی من معتقدم در  
 خانه سلج و حرب توده اگر کسی احساساتی  
 شد بایستی که فقط نابالو را بردارند نه  
 اینکه بروند دروا بشکنند شیشه بشکنند  
 هیچکدام از آقایان تردیدی ندارند که  
 شهربانی خوب جلو گیری کرد ( بزرگ  
 رئیس )  
**رئیس** - آقای کشاورز صدر در  
 احواف فوریت لایحه صحبت کنید  
**کشاورز صدر** - چشم در اینجا  
 این لایحه که آمده است اگر آقایان  
 فوریتش را تصویب کنند و این لایحه را  
 تصویب بفرمایند جنبه معنوی این لایحه از  
 جنبه مادی آن مهمتر است یعنی تمام مأمورین  
 انتظامی متعقد می شوند که مجلس شورای  
 ملی ایران از کسانی که در راه انجام وظیفه  
 خدمت می کنند قدر دانی میکنند و اگر نکنند  
 یاहत یا سرنومیدی مأمورین میشود و تأمین  
 امنیت و آسایش و رفاه مردم نخواهند شد  
**رئیس** - باید برای بگیریم با فوریت  
 ولی عده برای رای کافی نیست  
**دکتر طباطبائی** - اگر آقای کشاورز  
 صدر صحبت نمی فرمودند عده برای رای  
 کافی بود  
**رئیس** - بفرمائید آقایان بیایند تو  
 رای بگیریم (پس از چند دقیقه اکثریت  
 حاصل نشد) در فوریت مخالف و موافق  
 صحبت کردند - اعلام برای میشود اول جلسه  
 دیگر رای گرفته میشود  
**(۶- تعیین موقع و دستور جلسه بعد  
 ختم جلسه)**  
**رئیس** - جلسه را ختم میکنیم جلسه  
 آینده روز سه شنبه ۱۹ آذر اول جلسه به  
 فوریت این لایحه رای گرفته می شود  
 بعد هم لوابیح دیگر که در دستور بود مطرح  
 می شود  
 (مجلس بکساعت بعد از ظهر ختم شد)  
 رئیس مجلس شورای ملی  
**رضا حکمت**